

خبرنامه



سال یازدهم، شماره صدم، شهریور ماه ۱۴۰۲

تشکیل جلسه کمیته فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





فهرست

- ۳. * برگزاری نود و یکمین جلسه کمیته فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر در پژوهشگاه.....
- ۵. * گزارش جلسه هیأت ممیزه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.....
- ۷. * برگزیده شدن اثر هیأت علمی پژوهشگاه در جشنواره کتاب دانشگاهی سمت.....
- ۸. * انتشار آثار جدید انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.....
- ۱۰. * دومین نشست باشگاه دانش‌آموزی.....

نشست‌ها و سخنرانی‌ها:

- ۱۲. * پنجمین نشست از سلسله نشست‌های همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی».....
- ۱۸. * کاربست روایات مدارج ایمان در سیاست‌گذاری و حکمرانی فرهنگی.....
- ۲۳. * تجارب کشورهای جهان در مقابله با تورم؛ دلالت‌هایی برای سیاست‌گذاری در اقتصاد ایران.....
- ۲۷. * روابط بین نسل‌ها در زیست‌جهان دیجیتال.....
- ۲۹. * شبکه واژگانی زبان بلغاری: فرصت‌ها و چالش‌ها.....
- ۳۰. * کاربست کارکردگرایی آلستون در زبان دین.....
- ۳۵. * آینده و فرصت‌های ارتباطات و تحولات نسلی در ایران.....
- ۳۸. * روش تاریخی در فهم متون و مسئله ساخت سنت.....



بیانات رهبر معظم انقلاب درباره واقعه ۱۷ شهریور

یوم الله هفده شهریور، یکی از نمادهای مقاومت، شجاعت و ایستادگی ایرانیان در حکومت پهلوی است. فداکاری‌های ملت سلحشور در راه اسلام و دیوسیرتی دژخیمان رژیم شاهنشاهی در این روز و ایامی نظیر آن، درس بسیار ارزنده‌ای از فداکاری است که ملت مظلوم سلحشور و رژیم جنایتکار پهلوی را در طول تاریخ معرفی نموده است تا نسل‌های آینده ببینند این جمهوری اسلامی با چه جان‌نثاری‌ها و از خودگذشتگی‌ها به دست آمده است تا ان شاء الله آنان نیز با شهامت و شجاعت و ایثار و فدای عزیزان خویش، این هدیه بزرگ الهی را حفظ نمایند.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

برگزاری «نود و یکمین جلسه کمیته فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر»

نود و یکمین جلسه کمیته فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر ۲۷ شهریورماه، به میزبانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور نمایندگان وزارت بهداشت، آموزش و پرورش، کار و تعاون، بهزیستی، نیروی انتظامی، صدا و سیما، بسیج و ... برگزار شد.

در این جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در سخنانی کوتاه با اشاره به تحریم تنباکو و مبارزات مرحوم میرزای شیرازی گفت: ریشه انقلاب اسلامی ما از تحریم تنباکو نشأت می‌گیرد که میرزای شیرازی وقتی به تحریم تنباکو حکم داد، مردم حدود چهل روز قلیان مصرف نکردند و هر گونه فعالیت و عمل پیرامون توتون و تنباکو منع شد جالب اینکه علما حکم ندادند که حرام است، بلکه اعلام شد، جنگ با امام زمان (عج) است و... دکتر نجفی در ادامه تحقیق و پژوهش درباره جایگزین‌های صرف مواد را بسیار مهم ارزیابی کرد.



در این نشست مهندس عسگری، مدیر کل فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر با تشکر از میزبانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: این پژوهشگاه با توجه به جایگاه و ظرفیت بالایی که دارد می‌تواند به ما در پیشبرد اهداف ستاد پیشگیری از امر اعتیاد کمک کند که تلاش می‌کنیم زمینه‌های انعقاد تفاهم‌نامه دوطرف فراهم شود.

امکان‌سنجی راه‌اندازی رشته دانشگاهی پیشگیری از اعتیاد

در ادامه نشست دکتر اسماعیل ناصری، عضو هیأت علمی گروه روان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و مسئول کارگروه اعتیاد سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، گزارش خود را درباره «امکان‌سنجی راه‌اندازی رشته دانشگاهی پیشگیری از اعتیاد» بیان کرد و حاضرین در جلسه از جمله دکتر مه‌سادات موسوی، معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، دکتر محمد مرادی، نماینده دفتر مشاوره و سلامت سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، دکتر قدوسی، نماینده وزارت بهداشت، سرهنگ بهرامی، نماینده پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا، از منظرهای مختلف این امکان را مورد بحث قرار دادند. در خاتمه نشست نیز مهندس عسگری، ضمن جمع‌بندی نقطه‌نظرات ارائه شده، خواستار تکمیل گزارش از سمت دکتر ناصری و ارائه گزارش مفصل‌تر در جلسات بعدی این کمیته شد.



گزارش «جلسه هیأت ممیزه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»

چهارمین جلسه از دوره نهم هیأت ممیزه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به ریاست دکتر موسی نجفی، بیستم شهریورماه، با حضور اعضای هیأت ممیزه در سالن اندیشه پژوهشگاه تشکیل شد.

در این جلسه پرونده‌های ارتقاء مرتبه اعضاء مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با ارتقاء مرتبه ۱۲ عضو هیأت علمی به شرح ذیل، موافقت شد:

ارتقاء مرتبه از دانشیاری به استادی

دکتر آریتا افراشی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)



ارتقاء مرتبه از استادیاری به دانشیاری

۱. اعضای هیأت علمی سایر مؤسسات: دکتر سید احمد غفاری قره باغ (مؤسسه حکمت و فلسفه)، دکتر مهدی عبدالهی (مؤسسه حکمت و فلسفه) (ارتقاء مرتبه از مربی به استادیاری: دکتر حوریه شجاعی/پژوهشکده فرهنگ و ارتباطات)

۲. اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی:

دکتر محمدعلی فتح الهی

دکتر فرهاد زیویار



دکتر الهام ابراهیمی



دکتر بهاره نصیری



دکتر اعظم قاسمی



دکتر مسعود قیومی



دکتر حمیدرضا دالوند



دکتر حسن مجیدیان



برگزیده شدن اثر هیأت علمی پژوهشگاه به عنوان اثر شایسته تقدیر در نخستین جشنواره کتاب درسی دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی

اختتامیه نخستین جشنواره کتاب درسی دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی برگزار شد و دکتر داود مهدوی زادگان، رئیس سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی، دکتر حسین علی سعیدی، رئیس دانشگاه امام صادق(ع) و دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی در آن به ایراد سخن پرداختند.

به گزارش روابط عمومی «سمت»، اختتامیه نخستین جشنواره کتاب درسی دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی، روز یکشنبه هفتم اسفند ۱۴۰۱، همزمان با سالروز تأسیس «سمت» در محل سالن همایش‌های این سازمان برگزار شد و آثار برگزیده و شایسته تقدیر آن معرفی شدند.

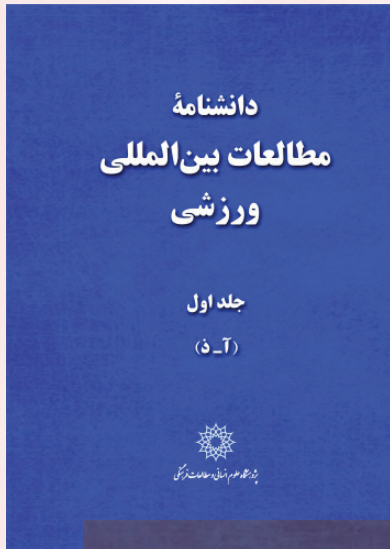
مراسم اختتامیه این جشنواره روز یکشنبه هفتم اسفندماه برگزار شد و بر اساس اعلام دبیرخانه آن، ۴ اثر به عنوان آثار برگزیده این جشنواره انتخاب شدند و ۹ اثر دیگر نیز شایسته تقدیر شناخته شدند. که کتاب دکتر حمیدرضا دالوند، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی جزو آثار شایسته تقدیر معرفی شد.

کتاب تاریخ و سنت زردشتی، نوشته حمیدرضا دالوند



انتشار آثار جدید در انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

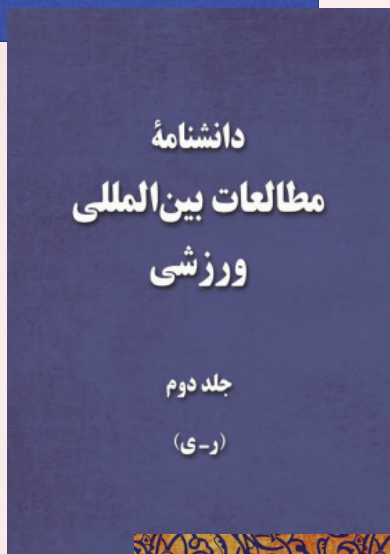
مدیریت نشر آثار علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، فهرست کتاب‌های جدید منتشر شده خود در ماه‌های مرداد و شهریور را منتشر کرد. بر اساس این خبر، عنوان کتاب‌ها و اسامی مؤلفان اثر از نظر تان می‌گذرد:



دانشنامه مطالعات بین‌المللی ورزشی جلد ۱

مترجمان: محمدحسین علیزاده و دیگران

دانشنامه مطالعات بین‌المللی ورزشی با رویدادهای جاری در حیطه ورزش رقابتی، تفریحی و فعالیت ورزشی با هدف ارتقای سلامتی ارتباطی به روز و مستمر دارد. انتشار این اثر حاصل تلاش مترجمان در گروه‌های تخصصی آسیب‌های ورزشی، بیومکانیک ورزشی، رفتار حرکتی، فیزیولوژی ورزشی، و مدیریت ورزشی است.



مترجمان: محمدحسین علیزاده و دیگران

دانشنامه مطالعات بین‌المللی ورزشی با رویدادهای جاری در حیطه ورزش رقابتی، تفریحی و فعالیت ورزشی با هدف ارتقای سلامتی ارتباطی به روز و مستمر دارد. انتشار این اثر حاصل تلاش مترجمان در گروه‌های تخصصی آسیب‌های ورزشی، بیومکانیک ورزشی، رفتار حرکتی، فیزیولوژی ورزشی، و مدیریت ورزشی است.



تصویرپردازی هنری نكوهش دنیا

مؤلف: زینه عرفت پور

یکی از موضوعات مورد اهتمام امیرالمؤمنین علی (ع)، موضوع نكوهش دنیا و ضرورت پرهیز از آن است که در ده خطبه به طور خاص به آن پرداخته‌اند و با بهره‌مندی از ابزار تصویرسازی، جنبه‌های نکوهیده دنیا را در آن‌ها ترسیم کرده‌اند. نگارنده در این کتاب با تکیه بر نظریه سید قطب، عناصر اصلی تصویرپردازی هنری مورد بحث و واکاوی قرار داده است.

مجموعه مقالات همایش ملی «تأملی بر زندگی، آثار و اندیشه عبدالله قطب بن محیی»

به کوشش: مهدی بنایی / امیر صادقی

آهنگ توجه به اندیشمندی چون قطب گاه از نیاز به پژوهشی تاریخی درباب او و زمانه او برمی‌خیزد؛ گاه از درد جستجوی تذکری از اندیشه و مضامین آثار او و پرتو افکندن بر وضع خود و زمان‌های که در آن به سر می‌بریم. این هردو، گرچه در جا و بهنوبه خود مهم است و در قلمرو خود جویندگانی دارد اما همسان و هم‌سنگ نیستند و در یک‌درجه و مرتبه قرار نمی‌گیرند.

نشانه‌شناسی سکه‌های اشکانی

مؤلف: صفورا برومند

در این پژوهش ضمن معرفی ویژگی‌های سکه‌شناسی، نشانه‌های سکه‌ها رمزگشایی شده است و با تحلیل نشانه‌شناسی گوشه‌ای از تاریخ دوران اشکانی بازگو می‌شود. دورانی که اهمیت آن در تاریخ جهان نیز انکارناپذیر است و توجه موشکافانه به آن از ضرورت‌های مطالعات تاریخ ایران‌زمین به شمار می‌رود.

روش‌های تحقیق کمی و کیفی (مبانی فلسفی)

مؤلف: علیرضا علی‌احمدی و وحید سعید نهایی

این کتاب نگرشی جامع بر شناخت روش‌های تحقیق با رویکردهای کمی و کیفی با تکیه بر مبانی نظری آن‌هاست و یک منبع علمی متفاوت در رشته‌های علوم انسانی، مدیریت، و مهندسی صنایع است.



گزارش دومین نشست باشگاه دانش‌آموزی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دومین نشست باشگاه دانش‌آموزی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری خانه خلاق و نوآوری علوم انسانی فرهنگ، دومین نشست باشگاه دانش‌آموزی را هفتم شهریورماه، با حضور دانش‌آموزان نخبه استان قم برگزار کرد. پس از برگزاری موفقیت‌آمیز نخستین باشگاه دانش‌آموزی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور دانش‌آموزان نخبه شهر قم، دومین نشست با حضور دانش‌آموزان نخبه استان قم برگزار شد.



این نشست در دو بخش صبح و بعد از ظهر، با ارایه دو سخنرانی و یک جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد. در ابتدا دکتر محمد نجاری، معاون مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن عرض خیرمقدم به دانش‌آموزان و مدرسان کارگاه‌ها، از اهمیت و جایگاه باشگاه دانش‌آموزی در برنامه راهبردی مرکز نوآوری و خانه خلاق و نوآوری علوم انسانی و فرهنگ سخن گفت و از حمایت‌های ویژه رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این عرصه تشکر و قدردانی کرد.

اقتصاد نفتی؛ انسان نفتی

سپس نشست نخست با عنوان «اقتصاد نفتی؛ انسان نفتی» برگزار شد. در این نشست دکتر حسین تسخیری، سردبیر نشریه نقدنامه شورای بررسی متون علوم انسانی، به ارائه دیدگاه‌های خود با موضوع اقتصاد و تأثیر آن بر زیست بشر پرداخت.

درآمدی تاریخی بر جغرافیای سیاسی ایران

نشست دوم با عنوان «درآمدی تاریخی بر جغرافیای سیاسی ایران» بود که توسط دکتر حمیدرضا فرتوک‌زاده، رئیس گروه مدیریت شورای بررسی متون علوم انسانی ارائه شد. پس از این دو سخنرانی، جلسه پرسش و پاسخ دانش‌آموزان نخبه استان قم با مدرسان کارگاه‌ها برگزار شد. شایان ذکر است، سومین نشست باشگاه دانش‌آموزی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در روز جهانی کودک (۱۶ مهرماه) و با حضور کودکان کار برگزار خواهد شد.



پنجمین نشست از سلسله نشست‌های همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی»

پنجمین نشست از سلسله نشست‌های همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی؛ رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو» به همت گروه پژوهشی مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در تاریخ ۲۵ تیرماه برگزار شد. در این نشست دکتر عبدالمجید مبلغی (استادیار پژوهشگاه انقلاب اسلامی) و دکتر سیدمحمدتقی موحداطی (استادیار پژوهشگاه تاریخ و فلسفه علم) حضور یافتند و سخنان خود را ارائه کردند. مدیریت این نشست نیز بر عهده دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی بود.

گونه‌پژوهی روش‌شناسی‌های مطرح در علوم انسانی



دکتر مبلغی به‌عنوان سخنران نخست این نشست بحث خود را با عنوان «گونه‌پژوهی روش‌شناسی‌های مطرح در علوم انسانی» آغاز کرد و گفت: روش تحقیق به مدیریت دانشی آمادها مربوط می‌شود، در حالی که روش‌شناسی به آرایش و نظم حاکم بر انگارها نظر دارد. از این جهت روش تحقیق و روش‌شناسی با هم متفاوت هستند. اگر از یک پژوهش در حوزه علوم انسانی به‌مثابه یک کنفرانس علمی استعاره کنیم، آنگاه روش‌شناسی نقش دبیر علمی و روش تحقیق نقش دبیر اجرایی آن را دارد. پیش از پرداختن به مبحث روش‌شناسی اگر یک نگاه کرونولوژیکال از نحوه بروز و ظهور روش‌شناسی‌ها نداشته باشیم، آنگاه مباحث به‌صورت قدم‌زدن در سرزمین ناشناخته خواهد بود؛ بنابراین لازم است ابتدا درکی از منطق و شیوه پردازش روش‌شناسی‌ها روی بردار زمان در نظر گرفته شود، تا فهم نحوه گسترش تاریخی روش‌شناسی‌ها ممکن شود.

وی ادامه داد: ما شش خانواده روش‌شناسی داریم. در حوزه مدرن با خانواده‌های روش‌شناسی پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی)، تفهم‌گرایی و انتقادی روبه‌رو هستیم؛ در حوزه روش‌شناسی‌های پست مدرن با خانواده‌های پدیدارشناسی، ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی مواجهیم. در این جلسه به چهار گروه از این روش‌شناسی‌ها می‌پردازیم. این چهار گروه عبارتند از روش‌شناسی‌های پوزیتیویستی، تفهیمی، انتقادی و پدیدارشناختی.

نخست. روش‌شناسی‌های اثبات‌گرایانه: در پوزیتیویسم، تأکید بر عاملیت شناخت انسان در مواجهه با امر انسانی است. منظور از عاملیت انسان، ظرفیت آدمی برای شناخت دیگر انسان‌هاست. رویکرد پوزیتیویست‌ها زندگی انسانی را «امر تجربه‌پذیر» می‌شناسد. مطابق این رویکرد روش‌شناختی، با وجود تفاوت‌های برقرار میان نحوه‌های مختلف تقریر آن در نظریه‌های چندگانه اثبات‌گرایانه، امور اجتماعی همانند علوم تجربی‌اند و در آنها تأکید بر تجربه‌های حسی، روش‌های ریاضی و فهم منطقی است. مشخصاً لازم است تا پژوهشگر به مرحله توانایی بر «شاخص‌گذاری» برسد؛ مرحله‌ای که بر اساس آن وی قادر به راستی‌آزمایی تجربی فرضیات خود می‌شود. منطق پوزیتیویسم توسط فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی «اگوست کنت» به‌کار گرفته شده است. در غوغای (پیشرفت انقلاب صنعتی) قرن هجدهم، مدعای کنت آن است که آنچه پیش از این درگیر آن بودیم، از الهیات تا فلسفه به اتمام رسیده است؛

موج بزرگی که در علوم تجربی رُخ داده، اکنون به حوزه معقولات رسیده است؛ به زبان دیگر ما داریم وارد دنیایی می‌شویم که در آن علوم انسانی نیز همانند سایر علوم «پیشرفت» خواهد کرد. انواع اثبات‌گرایی از این قرار است: اثبات‌گرایی اجتماعی (اگوست کنت و جان استوارت میل)، اثبات‌گرایی تکاملی (با رویکرد داروین‌سیمی)، اثبات‌گرایی منطقی (بعد از جنگ جهانی اول شکل گرفت)، اثبات‌گرایی انتقادی. در این میان اثبات‌گرایی منطقی، بر یک نکته اساسی تأکید دارد، آن نکته این است که معرفت به دو شیوه معتبر خواهد بود: شیوه اول بر مبنای منطق (ریاضیات)، شیوه دوم بر مبنای مراجعه به امور حسی ادراک‌پذیر. از این جهت سعی می‌شود امور کیفی به امور کمی شناخت‌پذیر برگردانده شود. تفاوت قائل شدن بین باید و هست، وجه نرمال و غیر نرمال بودن و نحوه گردآوری داده‌ها به گونه‌ای نزدیک به علوم تجربی از جمله پیامدهای این رویکرد روش‌شناختی است.



از دل این رویکرد اثبات‌گرایانه یک نقد درونی برای اثبات‌گرایی برمی‌خیزد. این نقد از جانب کسانی شکل می‌گیرد که دل‌مشغول عبور نسبی از جهان سخت اثبات‌گرایی‌اند؛ ولی همچنان وجوه مهمی از این پارادایم را می‌پذیرند. این نقد ابطال‌گرایی است. ابطال‌گرایی نکته مهمی را مطرح می‌کند؛ گزاره‌های علمی را باید به گونه‌ی تنظیم کرد که مرز آن‌ها مشخص باشد. به باور ابطال‌گرایان مبنای شناخت انسان، ظرفیت خط‌پذیری اوست و اثبات در ذات خود متکی بر ابطال است. بسامد ابطال‌گرایی در علوم انسانی، نقدپذیری جدی‌تر آن است. دوم. روش‌شناسی‌های تفهیمی: در این خانواده از روش‌شناسی‌ها، در مقایسه با روش‌شناسی‌های اثبات‌گرا، سوژه‌گرایی تعدیل می‌شود و معطوف به شناخت ناشی از همدلی با موضوع شناسایی می‌شود؛ مشخصاً از تبیین به تفهیم عبور می‌کنیم. کتاب «ماکس وبر» با عنوان «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» یکی از چند اثر به نام تاریخ علوم انسانی است. وی از روش‌شناسی‌ای صحبت می‌کند که طی آن باید برای فهم مناسبات انسانی به کنش‌ورزی انسانی پرداخت. در رویکرد مبتنی بر لحاظ نحوه کنش‌گری اجتماعی، برخلاف رویکرد تبیینی، سعی می‌شود جهان‌های شناختی، فرهنگی و هویتی دریافت شود و نحوه بروز و ظهور اتفاقات در حوزه رفتار انسانی با مراجعه به چندوچون فهم این مناسبات نزد کنش‌گران در وهله نخست و شیوه کنش‌ورزی ایشان در وهله بعدی پرداخته شود. در اینجا ما با چند نوع کنش‌گری مواجه هستیم: کنش اجتماعی عقلانی معطوف به هدف (کشاورزی که کسب سود برای امرار معاش در ذهن دارد، کنش اجتماعی عقلانی معطوف به هدف دارد)، کنش اجتماعی عقلانی معطوف به ارزش (شخصی که آگاهانه جام شهادت را می‌نوشد و برای دفاع از وطن خویش، ارزش پاک‌بازی را به تن می‌خرد از کنش اجتماعی عقلانی معطوف به ارزش تبعیت می‌کند)، کنش اجتماعی عاطفی (هیجان‌ات لحظه شخصی که تصادف می‌کند و یک مرتبه عصبانی می‌شود، نمونه‌ای از این کنش است) و درنهایت کنش اجتماعی سنتی (در کنش‌گری‌هایی هم چون لباس‌های سنتی به تن کردن، می‌توان سراغ از آن گرفت). بر این اساس اگر بخواهیم به عنوان پژوهشگر علوم انسانی و اجتماعی، از روش‌شناسی «وبر» استفاده کنیم در وهله نخست، باید شناختی از کنش مؤثر در عملکرد فرد داشته باشیم.

سوم. روش‌شناسی‌های انتقادی: در روش‌شناسی‌های انتقادی از سوژه‌گرایی فرافردی و معطوف به خرد منتشر در حوزه زبان و عرصه عمومی دفاع می‌شود. یورگن هابرماس، به‌مثابه آخرین مدافع مدرنیته، از جمله نمایندگان مهم این رویکرد است. مشخصاً نظریه عقلانیت ارتباطی وی معرف ظرفیت روش‌شناختی مؤثری در این زمینه است. به باور وی کشف آگاهی (یا ساخته شدن آگاهی بر اساس رویکرد گروهی دیگر از شارح هابرماس) از دهلیز زبان، که مکان به هم رسیدن افراد در حوزه عمومی است، رُخ می‌دهد.

چهارم. روش‌شناسی‌های پدیدارشناختی: در این خانواده از روش‌شناسی‌ها اجازه دادن به موقعیت جهت آشکار شدن مبنای آگاهی است. پدیدارشناسی به ساختارها و فعالیت‌های ناشی از آگاهی بشر (و نیز سرچشمه بروز و ظهور آن در وهله‌های بعدی) می‌پردازد. مشخصاً اینجا مفهوم آگاهی، کلیدی می‌شود. پیش‌فرض اصلی لحاظ انضمامی دنیایی است که در آن زندگی می‌کنیم. به یک معنا کار پدیدارشناس مطالعه ساختارهای آگاهی، همچنان که تجربه شده (از چشم‌انداز شخص اول) است. در کانون این ساختار پیشنهادی روش‌شناسی تجربه ناشی از خود موقعیت نهفته است؛ به‌عبارتی مسئله آن است که خود موقعیت چگونه بر ما آشکار شود.

تبارشناسی روش‌های نقش‌آفرینی دین در علم‌ورزی



دکتر موحداط‌حی در ابتدای سخنانش برای هم‌افقی در عرصه مفاهیم، دو مفهوم دیرینه‌شناسی و تبارشناسی تعریفی ارائه کرد و گفت: در دیرینه‌شناسی مفهومی که تا کنون نبوده یا در گذر زمان گسستی در معنای آن رُخ داده بررسی می‌شود تا شکل‌گیری مفهوم یا سیر تحول مفهومی در بستر زمان نشان داده شود. در تبارشناسی علاوه بر این اقدام، نقش عوامل برون‌گفتمانی (اغلب بحث قدرت) در شکل‌گیری و گسترش یک مفهوم یا یک نظریه بررسی می‌شود.

وقتی از تبارشناسی روش‌های نقش‌آفرینی دین در عرصه علم‌ورزی صحبت می‌شود، می‌توانیم بحث را تا صدر اسلام دنبال کنیم، یعنی جایی که جهان اسلام با اندیشه‌های شرق و غرب خود مواجه شد. تأثیرگذاری اندیشه‌های اسلامی در فرآیند علم‌ورزی در برخی از حوزه‌ها بسیار برجسته است. برای مثال دانشی که امروزه با عنوان فلسفه اسلامی از آن یاد می‌شود، محصول تأثیرگذاری آموزه‌های اسلامی در فلسفه ارسطویی، افلاطونی و نوافلاطونی است. این تأثیر تا حدی بوده‌است که دکتر «داوری اردکانی» از مفهوم شکل‌گیری فلسفه اسلامی یاد می‌کنند و البته بعدها از این مفهوم عدول کردند؛ ولی امروزه بسیاری مدافع عنوان فلسفه اسلامی هستند. در شاخه‌های دیگر دانش نیز دین اسلام نقش‌آفرینی‌هایی داشته است. مثلاً در جغرافیا که ممکن است تصور شود دین نمی‌تواند در آن تأثیرگذار باشد، می‌توان به کتاب «معجم البلدان یا قوت جموی» در قرن هفتم اشاره کرد که در آن انگیزه‌های دینی برای فراگیری جغرافیا مطرح می‌شود یا شاهد نقشه‌هایی هستیم که کاربردهای اسلامی داشته (برای دریافت مالیات‌های متفاوت) و ... وقتی یک پزشک سنتی به استناد این روایت که در حرام هیچ‌گونه شفایی نیست.

در جایی که طب قدیم از شراب در تجویزهای دارویی خود استفاده می‌کرده، آن را تجویز نمی‌کند (مگر از باب ضرورت قطعی) نوع دیگری از نقش‌آفرینی دین در عرصه علوم کاربردی را شاهد هستیم اما در این بحث علوم پیشامدرن مد نظر نخواهد بود، بلکه بحث ناظر به نقش‌آفرینی آموزه‌های اسلامی در رابطه با علم جدید خواهد بود، یعنی آن علمی که در گذر زمان به گونه‌ی نسبت آن با دین کم شده و سکولار شده است.

نسبت دین اسلام با علم سکولار

دکتر موحد ابطحی در بررسی نسبت دین اسلام با علم سکولار شرح داد: روشن شدن موضوع ابتدا باید دید علمی که پیش از دوره جدید با دین پیوند داشت، چگونه سکولار شد؟ باید توجه داشت که این‌گونه نبوده که شخصی علم را سکولار کند. اگر امروزه هم شخصی مدافع علم دینی است، باید توجه داشت که علم اصولاً می‌تواند دینی شود، اما این‌گونه نیست که بتوان با اختیار کامل علم را در اختیار خود و تحت ارائه خود قرار دهیم و آن را دینی کنیم. پس سؤال این است که چه عواملی موجب شد که علم، سکولار شود؟ وقتی ریاضیات (نگاه‌های فیثاغورثی و افلاطونی) وارد عرصه علم‌ورزی می‌شود (که زمینه‌های الهیاتی نیز به همراه دارد) افرادی از جمله نیکولاس کوپرنیک وارد صحنه می‌شوند تا طبیعت را در چارچوب ریاضیاتی به شکل جدیدی تبیین کنند. به عبارتی در مقطعی این تصور مطرح می‌شود که خداوند عالم را به زبان ریاضی نوشته و برای فهم عالم باید ریاضی بدانیم و با زبان ریاضی قوانین آن را بیان کنیم! پوزیتیویسم از محصولات این نوع نگاه است این نوع نگاه از کوپرنیک و گالیله شروع می‌شود تا داستان در علوم طبیعی به نیوتن می‌رسد که به تعبیر خودش پا بر شانه غولان می‌گذارد و در ارتفاع بالاتری جهان را می‌بیند و تحت قمر و فوق قمر را یکپارچه می‌کند و عملاً در این مقطع طبیعات کیفی ارسطویی تبدیل می‌شود به فیزیک نیوتنی کمی. وقتی روابط بین پدیده‌ها به شکل ریاضی تدوین شد، دترمینیست ریاضیاتی وارد صحنه می‌شود که در آن برای مثال سرعت و فاصله سقوط یک گلوله تنها بر اساس سرعت و زاویه پرتاب گلوله مشخص می‌شود. نیوتن که فردی یکتاپرست بود و بیش از این‌که در حوزه فیزیک کتاب نوشته باشد در حوزه الهیات نوشته و بخاطر انگیزه‌های دینی، فیزیک را پی‌گیری کرده‌است و می‌خواسته با این کارش علم و قدرت خدا را به مردمان نشان دهد، علمی را پایه‌گذاری می‌کند که سرآغاز «علم سکولار» است؛ زیرا دیگر به خدایی نیاز نیست و همه چیز به شکل ضروری پیش می‌رود. البته نیوتن در چرخش حرکت سیارات با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شود و از خداوند مدد می‌جوید، ولی مدتی بعد لاپلاس می‌گوید، نیازی به فرض خدا نیست و سیارات را می‌توان بر اساس همان قوانینی که نیوتن کشف کرده است تبیین کرد. در کنار این تحول علمی یکسری اتفاق از جمله رنسانس، اصلاح دینی، انقلاب صنعتی، انقلاب فرانسه و ... در اروپا رخ می‌دهد و نظم اجتماعی به هم می‌خورد. جریان روشنگری قرن هجدهم معتقد است که دیگر اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن ارسطویی یا توصیه‌های اخلاقی کلیسا نمی‌تواند نظم اجتماعی ایجاد کند و این جاست که بشر باید روی پای خود بایستد و مستقل از هر اتوریته‌ای و با بهره‌گیری از عقل خود بنیاد و تجربه‌ای که محصول آن «فیزیک نیوتنی» بود قوانین حاکم بر پدیده‌های انسانی و اجتماعی را کشف کند تا بتواند آنها را پیش‌بینی و کنترل کند. همان‌طور که در فیزیک جدید قوانین حاکم بر طبیعت کشف و از آن برای پیش‌بینی و کنترل پدیده‌ها از طریق ساخت ابزارها استفاده شد. همان‌طور که با انقلاب علمی و شکل‌گیری فیزیک نیوتنی در تبیین پدیده‌های طبیعی دیگر نیازی به دین و خدا نبود، با شکل‌گیری علوم انسانی و اجتماعی متأثر از فیزیک نیوتنی هم دیگر در تحلیل مسائل اجتماعی و انسانی نیازی به دین و خدا نیست.

ایجاد علوم انسانی سکولار در غرب

این چنین بود که علوم انسانی سکولار در غرب ایجاد و با یک فاصله زمانی طولانی وارد جهان اسلام شد و بحران‌هایی را برای جهان اسلام ایجاد کرد، اما ریشه ورود علوم جدید غربی به جهان اسلام برمی‌گردد به شکست‌هایی که جهان اسلام در مقابله با اروپائیان متحمل شد. مسلمان‌ها در هند از انگلیس، ایرانی‌ها از روسیه، عثمانی‌ها از اروپا؛ همه با هم در یک مقطع با سؤالی روبه‌رو می‌شوند که چرا مسلمانان ضعیف هستند و پاسخی که به آن می‌رسد این است که مسلمانان از علم جدیدی که غرب به آن رسیده بی‌بهره‌اند و شروع می‌کنند به ترجمه و تدریس علوم جدید غربی. همین اتفاق در مقطعی برای اروپا رخ داد و نهضت ترجمه در قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی را در اروپا رقم زد. در آن مقطع اروپایی‌ها متوجه شدند که در جهان اسلام اتفاقی افتاده که موجب قدرت مسلمانان شده است و شروع کردند به ترجمه آثار علمی جهان اسلام. تصور مسلمان‌ها نیز در عصر جدید این بود که باید برای قدرتمند شدن به سمت یادگیری علم اروپایی بروند.

این اتفاق به شکل مشابه در هند، ایران، مصر و عثمانی رخ داد و البته در برابر آن مقاومت‌های مشابهی هم در این مناطق صورت گرفت. در هند «سرسیداحمد خان» دانشگاهی برای آموزش علوم جدید می‌سازد و در مقابل آن جریان اهل حدیث شکل می‌گیرد، شاه‌ولی‌الله دهلوی و جریان اصحاب حدیث در هند، متأثر از همین نگاه هستند. در ایران مدارس جدیدی که توسط رشديه ساخته شد بارها ویران شد. در عثمانی نیز همین اتفاق رخ می‌دهد. دارالفنون اولیه که در عثمانی شکل گرفت با جریان‌های اسلام‌گرا روبه‌رو و تعطیل شده و بعد از چند سال مجدد راه‌اندازی شد.

دکتر موحداط‌حی تأکید کرد: در مجموع با ورود علوم جدید اروپایی به جهان اسلام سه مواجهه رخ داده‌است؛ پذیرش کامل، طرد کامل و تعامل. اساس علوم اسلامی بر تعامل استوار است و به‌دنبال این است که چگونه تعامل انجام شود. نه دست کشیدن از یافته‌های بشر امکان‌پذیر است و نه نادیده‌گرفتن داده‌های الهی. به‌گونه‌ای بین این دو مورد باید تعاملی ایجاد شود و دین در عرصه علم‌ورزی بتواند نقش‌آفرینی کند.

اولین رویکرد که در مواجهه اسلام با علوم غربی در ایران رخ داد، علم مدرن را خنثی قلمداد می‌کرد و بر این باور بود که می‌توان در کنار علوم اسلامی علوم جدید را هم فراگرفت. دانشگاه علی‌گه «سرسیداحمد خان» یک چنین الگویی را دنبال می‌کرد که این الگو در قالب مدارس اسلامی در ایران قبل از انقلاب هم دنبال می‌شد. در این نگاه عمده‌ترین تأثیرگذاری دین در عرصه علم‌ورزی مرتبط می‌شود به دو مقام: یک مقام مسئله‌گزینی و دو مقام کاربرد و به‌عبارت دیگر کاری به محتوای علم جدید ندارد. ایده دیگری که پیش از انقلاب هم مطرح بود، ایده بومی‌سازی علم بود که این موضوع در کشورهای اروپایی هم سابقه دارد و پیش از انقلاب هم توسط مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاه تهران دنبال می‌شد.

اما جریان دیگری که در مواجهه با علوم جدید غربی سکولار شکل گرفت و در زمان پهلوی هم مسبوق به سابقه است، جریانی است که توسط سنت‌گرایان پدید آمد و ریشه آن به اروپای بعد از جنگ جهانی برمی‌گردد و رهبری این جریان امروزه با دکتر «سیدحسین نصر» است.



گروه پژوهشی مدیریت
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند

نشست پنجم

سلسله نشست‌های همایش

روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی:

رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو

سخنرانان:

دکتر عبدالمجید مبلغی
گونه‌پژوهی روش‌شناسی‌های مطرح در علوم انسانی

دکتر سید محمدتقی موحداط‌حی
تبارشناسی روش‌های نقش‌آفرینی دین در علم‌ورزی

مدیر جلسه:

دکتر فرزانه میرشاه ولایتی

یکشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۲ ساعت: ۸ تا ۱۰

مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

مجازی: <https://b2n.ir/y42424>



سخن آن‌ها این بود که علم در گذشته در یک چارچوب جهان‌بینی دینی بوده است مبتنی بر یک خرد جاویدانی که بین ادیان توحیدی و غیر توحیدی مشترک بوده و روح آن در نوع نگاه سنتی به عالم و آدم وجود داشته و در عرصه طبیعت‌شناسی، انسان‌شناسی، هنر و معماری نقش‌آفرینی کرده است و ما باید مجدد آن نحوه علم‌ورزی را احیاء کنیم. با نگاه به متون پیشین متوجه می‌شویم قدما چه اقداماتی را انجام داده‌اند به‌خصوص در حوزه هنر، معماری و شهرسازی به‌صورت جدی تلاش کرده‌اند. دانشگاه امام صادق (ع) (دانشکده مدیریت هاروارد سابق) که توسط مهندس اردلان (که در آمریکا زندگی می‌کرد) پیش از انقلاب بنا شده است، دارای معماری سنتی است که مؤلفه‌های حکمی متعددی در آن به‌کار رفته است که آشنایی کردن مخاطبان با آن به یک ترم تدریس نیاز دارد. ایده دانشگاه اسلامی و علم اسلامی پیش از انقلاب توسط سید حسین نصر در کشور مطرح شده است که از این جا می‌توان بحث‌های تبارشناسی و نقش قدرت را به وضوح در آن دید و ترسیم کرد. در دوره پهلوی به دکتر سید حسین نصر مأموریت داده شد که دانشگاه اسلامی تأسیس کند که علی‌القاعده در آن همان نگاه سنت‌گرایانه مبنای قرار می‌گرفت. پرسش: نقش قدرت در این زمینه چیست؟ چرا حکومت پهلوی به این نوع نگاه سنت‌گرایانه روی خوش نشان می‌دهد؟ تبارشناسی بحث از همین جا آغاز می‌شود. جریان بومی‌گرا که دوره پهلوی در کشور مستقر بود، از یک جهت متأثر از نگاه چپ بود. جریان دیگر تحول‌خواه جریان اسلام‌گرایی به رهبری امام خمینی بود. حال دستگاه حاکمیتی با برجسته کردن نگاه‌های سنت‌گرایانه به علم، هنر، فناوری می‌توانست در مقابل هر دو جریان چپ و اسلام‌گرایی سنتی ایستادگی کند.

هدف حوزویان از آشنایی با علوم جدید

آشنایی حوزویان با علوم جدید به یک دو دهه قبل از انقلاب برمی‌گردد. برای مثال می‌توان به واحد آموزشی مؤسسه در راه حق اشاره کرد که توسط آیت‌الله مصباح یزدی تأسیس شد. هدف حوزویان از آشنایی با علوم جدید در آن مقطع عمدتاً پاسخ به شبهاتی بود که از دریچه فلسفه‌ها و علوم جدید غربی در جامعه پدید آمده بود، شاید بتوان گفت که حوزویان در آن مقطع خود را در مقام دفاع می‌دیدند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی مواجهه با علوم انسانی غربی صبغه دیگری یافت. این بار دیگر بحث این نبود که علوم انسانی جدید را فراگیریم که به شبهات پاسخ دهیم، بلکه هدف این بود که آنها را فراگیریم تا بتوانیم تغییری در آن ایجاد کنیم و حتی بیشتر از این علوم انسانی مبتنی بر معارف اسلامی پدید آوریم که بتوانیم در تحقق اهداف انقلاب از آن بهره بگیریم. در اساسنامه دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی (ره) که آیت‌الله مصباح یزدی در آن نقش آفرین بوده‌اند، این اهداف را می‌توان دید.

فعالیتی که آیت‌الله مصباح یزدی در آغاز این مسیر انجام دادند به این صورت بود که پس از تعطیلی دانشگاه‌ها، نشست‌هایی با استادان برجسته علوم انسانی دانشگاهی برگزار می‌کردند تا در آن نظریه‌های علمی در شاخه‌های مختلف علوم انسانی مطرح و از منظر اسلامی نقد شود. محصول این نشست‌ها در قالب جزواتی منتشر شد. این رویکرد که در آغاز انقلاب مطرح شد بیشتر به فکر تهذیب و تکمیل علوم موجود بود که برای اولین بار استاد «میرسپاه» از شاگردان آیت‌الله مصباح یزدی آن را تقریر کردند. در این نگاه نقش‌آفرینی معارف اسلامی در فرایند علم‌ورزی با همکاری با استادان دانشگاهی پیش می‌رفت.

دکتر موحدابطحی در خاتمه سخنانش گفت: به‌نظر می‌رسد نقش دانشگاهیان و دانش‌های آنها در رویکردهای علم دینی کاهش می‌یابد. برای مثال در رویکرد استنباطی قصد بر این است که از آیات و روایات و با استفاده از روش معتبر دینی نظریه‌ای در حوزه علوم انسانی استخراج شود. اعضای هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه یا دانشگاه قرآن و حدیث و ... با رویکرد حوزوی آثار متعددی را در این زمینه منتشر کرده‌اند. جریان دیگری که پس از آن پررنگ شد و باز هم نقش دانش حوزوی در آن برجسته است، رویکرد مبنایگرایانه در علوم انسانی اسلامی است. ایده این جریان آن است که مشکل ما با علوم انسانی موجود در رویناها نیست، بلکه در بنیادها است و بنیادهای علوم انسانی غربی در فلسفه‌های غربی و نوع نگاه غربی‌ها به هستی، عالم و آدم ریشه دارد و باید متأثر از فلسفه اسلامی، مبانی علوم انسانی تدوین کرد و بر مبنای آن علوم انسانی اسلامی را پایه‌گذاری کرد. بیانان رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه با ایشان در تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۸۸ سرآغاز شکل‌گیری جریانی شد با عنوان علوم انسانی قرآن‌بنیان که توسط دانشگاه علوم و معارف قرآن و دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی (ره) پیگیری می‌شود. همچنین بیانان ایشان در دیدار با دست‌اندرکاران اولین کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی در اول اردیبهشت ۱۳۹۶ سرآغاز شکل‌گیری جریان دیگری شد با عنوان «مرجعیت علمی قرآن» که توسط پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی پیگیری می‌شود. لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihs.ac.ir/fa/news/۲۴۱۴۷>

کاربست روایات مدارج ایمان در سیاست‌گذاری و حکمرانی فرهنگی

نشست «کاربست روایات مدارج ایمان در سیاست‌گذاری و حکمرانی فرهنگی» ۲۶ تیرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. این نشست به همت معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی و پژوهشگاه مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری شورای فرهنگ عمومی کشور برگزار شد. دکتر سیدحمید پارسانیا (عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی)، سیدمجید امامی (دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور)، دکتر سیدمحمد هادی گرامی (رئیس پژوهشگاه مطالعات قرآنی) و دکتر احمد پاکتچی (سفیر ایران در یونسکو و عضو هیأت علمی پژوهشگاه) سخنرانان این نشست بودند و دبیری دبیری نشست نیز بر عهده محمد نصرآوی بود.



در ابتدای این نشست دکتر پاکتچی سخنانش را با موضوع «کاربست روایات مدارج ایمان در سیاست‌گذاری و حکمرانی فرهنگی» را موضوع بسیار گسترده‌ای دانست و گفت: سه بحث اصلی در این زمینه وجود دارد. صورت مسئله اول درباره مؤلفه‌های ایمان و مسئله درجات است. یکی از احادیثی که بارها در این بحث مورد استفاده قرار گرفته است حدیث: «الإيمان معرفة بالقلب وإقراراً باللسان وعملاً بالأركان» از پیامبر (ص) است. تاکنون بحث‌های بسیاری درباره این حدیث صورت گرفته است، اما در اینجا به این حدیث از منظر دیگری نگاه می‌کنیم. فهم غالب این حدیث راجع به ایمان فردی است. یعنی تصور می‌شود که قلب، زبان و ارکانی دارد و فرد باید معرفت قلبی داشته باشد. به زبان اقرار به ایمان کرده باشد و با اعضایش به ارکان ایمان عمل کند. اما نگرش به این حدیث می‌تواند در سطح اجتماعی باشد و معرفت به قلب در حد معرفت اجتماعی دیده شود و قلب را روح ملت و به تعبیر دیگر فرهنگ در نظر بگیریم و اقرار به لسان را می‌توان به لسان اجتماعی برگرداند که به حوزه رسانه مربوط می‌شود. عمل به ارکان را هم می‌توان به کنش‌های اجتماعی برگرداند. به نظر می‌رسد اگر به این حدیث معروف نگاه اجتماعی داشته باشیم، دامنه این فهم می‌تواند خیلی وسیع‌تر باشد و آن وقت به حوزه حکمرانی فرهنگی ارتباط پیدا خواهد کرد.

دکتر پاکتچی ادامه داد: حدیث دیگری از امام صادق (ع) نقل شده است که می‌فرمایند «خداوند ایمان را در هفت سهم قرار داده است» یا برای ایمان هفت جنبه قرار داده است. این هفت جنبه عبارتند از برّ، صدق، یقین، رضا، وفا، علم، حلم. خداوند این هفت سهم را بین مردم تقسیم کرده و به افراد مختلف سهم‌هایی داده است. غالب این موارد در فضای ارتباط و تعامل اجتماعی معنا پیدا می‌کند. بر و نیکوکاری، صدق، وفا، حلم و رضا اعمالی تعاملی هستند و فردی نیستند. بر این پایه بعید نیست به خودمان اجازه دهیم بگوییم باید یقین و علم را هم تعاملی دید. وی گفت: توجه شود که چگونه درجات ایمان را باید دو روی یک سکه در نظر گرفت. در سطح اجتماعی ممکن است مؤمنین از درجات مختلف برخوردار باشند و این درجات مختلف به ویژگی‌های شخصی و تعامل اجتماعی افراد برمی‌گردد. در روایتی دیگر امام صادق (ع) می‌فرماید: «ایمان ده درجه است» و بعد افراد مختلف را از نظر درجه توضیح می‌دهند: «مقداد درجه هشتم است،

ابوذر درجه نهم و سلمان درجه دهم». پس حتی شاخص‌ترین چهره‌های صحابه در درجات ایمانی مختلفی هستند و فردی با اعتبار و موقعیت مقداد یا ابوذر ممکن است در درجه متفاوت با سلمان باشد. این حدیث توجه ما را به این نکته جلب می‌کند که باید تفاوت درجات ایمانی را در جامعه به رسمیت شناخت. یک حکمران فرهنگی باید متکثر بودن درجات ایمان را مدنظر داشته باشد و به افرادی که در درجات مختلف هستند با دیده احترام نگریده شود.

دکتر پاکتچی تصریح کرد: من همین‌جا می‌خواهم حدیث دیگری از امام صادق(ع) را یادآوری کنم که می‌فرمایند، «اگر ابوذر بدانند آنچه در قلب سلمان است، او را می‌کشد یا تکفیر می‌کند». پس ممکن است فاصله زیادی بین افراد از درجات ایمانی متفاوت وجود داشته باشد. ولی کسی که در جایگاه سیاست‌گذاری قرار می‌گیرد باید طوری مدیریت کند که مردم در برادرانه‌ترین و همدلانه‌ترین سبک با هم کار کنند و در کنار هم حضور داشته باشند، نه اینکه به گونه‌ای عمل کند که فاصله بین ابوذر و سلمان را به شکاف تبدیل کند و موقعیتی فراهم کند جامعه ایمانی دچار انشقاق شود. همچنین باید این نکته را هم اضافه کنم که آیه: انما المؤمنون اخوه، بیش از اینکه خبر باشد دستور است. یعنی مؤمنین باید برادر باشند. لذا حکمران و سیاست‌گذار باید نگاهی همگرا داشته باشد و جامعه را به سمت شکاف پیش نبرد.

موضوع بازخوانی تاریخی انگاره «ایمان» و تأثیر آن در سیاست‌گذاری فرهنگی



دکتر گرامی سخنران دیگر این نشست سخنرانی خود را با «موضوع بازخوانی تاریخی انگاره «ایمان» و تأثیر آن در سیاست‌گذاری فرهنگی» ارائه داد. وی در پاسخ به این سؤال که «خوانش فرهنگی-تاریخی احادیث چیست؟ عنوان کرد: خوانش فرهنگی-تاریخی احادیث می‌تواند طی فرایندی سه‌گانه محقق شود: گزینش، بازخوانی و کاربست. در این سه مرحله ابتدا گزینش احادیث در نسبت با پرسش‌ها و مسائل کنونی ما انجام می‌شود. سپس برای بازفهمی احادیث در بافت تاریخی-فرهنگی آنها (هرمنوتیک زمینه‌گرا) تلاش می‌شود و در انتها به کمک آن‌ها به استخراج راه‌کارها و سیاست‌های فرهنگی جدید پرداخته خواهد شد.

وی ادامه داد: در گزینش احادیث در نسبت با پرسش‌ها و مسائل کنونی ما بایست به مسائلی چون ازدواج موقت، حجاب، چندهمسری، ارث زن، انرژی هسته‌ای، جهاد و ترور و ... (انگاره‌های ظاهرا اجتماعی) و ایمان، تقیه، دروغ و ... (انگاره‌های ظاهرا غیراجتماعی) توجه داشت.

دکتر گرامی تصریح کرد: اساسا در بستر اسلام اولیه یکی‌انگاری میان اسلام و ایمان وجود داشته است و زمینه‌های زبانی-گفتمانی صدر اسلام، سبب طرح مسئله تمایز اسلام و ایمان شده است. طرح همین تمایزها این توهم را ایجاد کرد که شاید اساسا ایمان صرفا بازگشت به جنبه‌های اعتقادی با تأکید بر تشیع دارد. در چنین بستری امامان تلاش کردند تا نشان دهند، اساسا پیوستگی میان عمل و اعتقاد در مقوله ایمان بسیار جدی است و حتی ایمان دایرمدار عمل است.

چنین بازخوانی از انگاره «ایمان» کمک خواهد کرد تا از یکسو در سطح فقهی-حقوقی بتوان تجدیدنظری در زمینه اموری همچین غیبت، مناکحه، امام جماعت، مصرف خمس و زکات، قضاوت و ... پیشنهاد داد. از سوی دیگر کمک خواهد کرد تا بینادهنیت و حافظه جمعی سنتی شیعی از انگاره «ایمان» به فراموشی سپرده شود. هرچند در ظاهر این طور به نظر می‌رسد که کنش‌گران فرهنگی در مقام عمل، مستقل از آن بستر گفتمانی سنتی عمل می‌کنند، اما اصلاح تلقی سنتی درباره انگاره «ایمان» خواه‌ناخواه بنیادی‌ترین آبشخور فکری و فرهنگی برای کنش‌گران عرصه فرهنگ در کشور ما محسوب می‌شود.

ایمان و کفر بدون آگاهی امکان‌پذیر نیست



همچنین حجت‌الاسلام و المسلمین حمید پارسانیا، استاد دانشگاه تهران سخنان خود را این‌چنین آغاز کرد: دوستان راجع به ایمان در آیات و روایات صحبت کردند. تا سخن از ایمان می‌آید بحث‌های مختلف مطرح می‌شود مثلاً در حوزه فلسفه دین بحث نسبت ایمان با معرفت و علم مطرح می‌شود و اینکه آیا ایمان همان معرفت است یا ایمان مسیری غیر از معرفت دارد یا جایی که معرفت باشد ایمان نیست و ایمان در جایی است که معرفت و عقل نباشد.

ابتدا باید اتخاذ موضع کنیم موضع اول تعریفی از ایمان، اسلام و علم و معرفت و تفاوت اینها است. معرفت و علم، آگاهی است و الزاماً با اسلام و ایمان همراه نیست اما از مقدمات آن است. شرط لازم است ولی شرط کافی نیست. انسان وقتی چیزی را نمی‌داند ایمان به آن ممکن نیست ولی به هر چه دانست ایمان نمی‌آورد بلکه ممکن است متعلق معرفت قابلیت انکار داشته باشد. همان‌طور که ایمان متوقف بر معرفت است کفر هم متوقف بر معرفت است.

دکتر پارسانیا ادامه داد: نکته دیگر اینکه قلمرو معرفت قلمرو اراده و گزینش انسان نیست. انسان در معرفت می‌یابد، نه اینکه بسازد. ایمان بر ساخت است ولی معرفت دریافت انسان است. دین با معرفت آغاز می‌شود ولی معرفت به تنهایی دین و اسلام و ایمان نیست و اتفاقاً بعضی‌ها بعد از اینکه معرفت پیدا کردند توانستند کفر بورزند. رسوخ در کفر مختص به کسانی است که معرفتشان بیشتر و بهتر است. پس بحث ما تفاوت بین معرفت، اسلام و ایمان است. اگر معرفت ظنی باشد ایمانی که متنبی بر آن است با تزلزل در معرفت، متزلزل می‌شود. اگر کسی معرفتش یقینی باشد کوه‌ها می‌جنبند ولی او از جایش تکان نمی‌خورد. به همین خاطر در روایت آمده است؛ المومن کالجبل الراسخ. اشاره کردم معرفت خودش ارادی نیست ولی ممکن است مقدماتش ارادی باشد یعنی اگر سر کلاس نرویم معرفت به دست نمی‌آوریم. در مراحل سلوک، مقدماتی طی می‌شود ولی آن مقدمات مقوم کشف و معرفت نیست. این بحث نسبت بین علم و ایمان است. ایمان چیست؟ ایمان همان گرایش وجودی است.

ما دو نوع عقد و گره داریم یکی بین محمول و موضوع؛ یک گزاره مثل هوا روشن است. این «است» ربط موضوع و محمول است. از این پیوند اول، یک پیوند دوم به وجود می‌آید که همان گرایش وجودی است. دکتر پارسانیا در مورد اینکه اسلام چیست؟ شرح داد: اسلام تسلیم شدن است ممکن است با ایمان همراه باشد ممکن است همراه نباشد. این تسلیم شدن سطوح مختلفی دارد. انسان در زندگی فردی ممکن است نسبت به اموری تسلیم شود، در امور اجتماعی هم ممکن است نسبت به اموری تسلیم شود ولی در عین حال ایمان نداشته باشد. اگر ایمان متوجه حقیقت باشد ویژگی‌هایی دارد از جمله اینکه قابل تفکیک نیست و یکپارچه است. ایمان شبکه‌ای از معانی است

دکتر پارسانیا تصریح کرد: من آیه ۱۳۶ سوره نساء را که نوعاً دوستان شنیده‌اند می‌خوانم و بعد بیان مرحوم علامه طباطبایی ذیل این آیه را بیان می‌کنم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» ای کسانی که ایمان آورده اید به خدا و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد و کتابهایی که قبلاً نازل کرده بگروید و هر کس به خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و روز بازپسین کفر ورزد در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است.

آیا از این آیه مراتب ایمان برداشت می‌شود؟ علامه چهار قول بیان می‌کند که یک قول، قول مختار ایشان است و سه قول دیگر را نمی‌پذیرد. بیان ایشان این است که معنای آیه این است: ای کسانی که به اجمال ایمان آوردید به تفصیل ایمان بیاورید. ایمان شبکه معناها است که به هم ارتباط دارند. اگر به یک جایی چنگ زدی همه با هم وصل است و اگر یکجا را کنار گذاشتی به بقیه آسیب می‌رساند. پس در این آیه بحث شبکه معناها است که علامه به آن می‌پردازد و انسان باید ایمانش را به حقایقی که در آیه بیان شده است بسط دهد و اینها مجموعه معرفت‌هایی است که هر کدام دیگری را لازم دارد. وقتی برخی افراد بخشی از اینها را نمی‌پذیرند قسمت دیگر را نپذیرفتند. ایمان به این معارف ممکن نیست مگر به همه باشد و اگر به قسمتی آسیب رساندی به همه آسیب رساندی.

این مجموعه معارفی که متعلق ایمان است همه در یک سطح هستند یا خیر؟ اساساً کانون این معرفت چیست؟ وقتی اسلام به ایمان دعوت می‌کند توحید در میان این معرفت‌ها نقش مهمی دارد و خیلی معرفت‌های دیگر به آن وابسته است و بقیه به آن شناخته می‌شوند. توحید در معنابخشی و هویت‌بخشی به دیگر معناها چنین اثری دارد. پس ایمان عبارت است از ایمان به مجموعه معانی که در کانون آنها توحید است. این عقد یک عقد قلبی است. دکتر پارسانیا که متن سخنانش در اینجا منتشر شده است، در خاتمه سخنانش تأکید کرد: هویت ایمان با فرد است و فرد است که مواجه با توحید می‌شود و به آن دل می‌دهد ولی ایمان مجموعه‌ای است که با هم پیوند دارد برخی سطوح فردی دارد، برخی سطوح جمعی. گاهی معنا در سطح هویت فرد حضور دارد گاه حضور جمعی پیدا کرده است. وقتی هویت جمعی پیدا کرده است این هویت جمعی یک قدرت و اقتداری دارد و اسلام در مجموعه معانی همان‌طور که توحید عبادی فردی دارد توحید جمعی هم دارد. حفظ مقررات و زیست جمعی الهی بخشی از ایمان است و این امر قواعد مربوط به خودش را دارد یعنی رعایت شعائر الهی غیر از هویت فردی است. به عبارت دیگر وقتی ایمان در ارتباط با فرد است سخن از گرایش خودش است اما وقتی هویت جمعی را نگاه می‌کنیم فرد در ذیل آن مستهلک است و دیده نمی‌شود.



معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی
با همکاری پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه و شورای فرهنگ عمومی کشور برگزار می‌کند:

**کار بست روایات مدارج ایمان
در سیاست‌گذاری و حکمرانی فرهنگی**

سخنرانان:
دکتر احمد پاکجانی
دکتر حمید پارسانیا
دکتر سید مجید امامی
دکتر سید محمدهادی گرامی
دبیر نشست: محمد نصرای

زمان: دوشنبه ۲۶ تیرماه - ساعت ۱۳:۳۰
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - سالن حکمت

اگر دیدی کسی یک پله از تو پایین تر است با مهربانی و ملایمت او را به طرف خود بالا بیاور



در ادامه نشست سیدمجید امامی سخنانش را آغاز کرد و گفت: روایات بسیاری در بیان مدارج، ابعاد و سهم‌های ایمان وجود دارد. ولی عمده روایاتی که برای ما معما شده، به مراتب و مدارج ایمان توجه دارد. به‌عنوان مثال از امام صادق(ع) روایت شده است: «ایمان، مانند نردبانی است که ده پله دارد و پله‌های آن یکی پس از دیگری پیموده می‌شود. پس کسی که در پله دوم است نباید به آن که در پله اول است بگوید تو چیزی نیستی، تا برسد به آن که در پله دهم است (او هم نباید به پایین تر خود چنین سخنی بگوید). آن را که در پله پایین تر از تو قرار دارد نینداز که بالاتر از تو نیز تو را می‌اندازد. اگر دیدی کسی یک پله از تو پایین تر است با مهربانی و ملایمت او را به طرف خود بالا بیاور و فراتر از توانش باری به دوش او مگذار که او را می‌شکنی و هر کس مؤمنی را بشکند، باید شکستگی او را جبران کند.»

دکتر امامی ادامه داد: حضرت در این روایت می‌فرمایند کسی که در پله قبل از تو است را ساقط نکن و اگر دیدی کسی یک درجه پایین تر است دستش را بگیر و او را بالا بیاور و با مهربانی او را به طرف خود بالا بکش. کسی که توان پله دوم را ندارد بار پله دوم را بر عهده او نگذار و او را به زور به پله دوم نیاور چون می‌شکند. مشابه این روایت بسیار است. یکی از دلالت‌های روایات مدارج ایمان این است که ما در سیاست فرهنگی و حکمرانی فرهنگی مسئله مهمی به نام «نفس مناسبات دولت و جامعه» داریم و در این بحث مهمترین بخش ماجرا، زبان مواجهه دولت و جامعه است که امروز در جمهوری اسلامی به شدت با آن چالش داریم. یک بخش آن به این خاطر است که گاه مسئله زبان‌شناسی با معرفت‌شناسی خلط می‌شود. دوستانی که روی صندلی تدوین اسناد بالادستی می‌نشینند تأکیدشان این است همه چیز را در سند بیاورید. مثلاً می‌گویند، بحث نماز را هم در سند بیاورید! انگار ما الآن در حال تقریر دین هستیم و به جای پیامبر(ص) نشستیم و کتاب مبین را عرضه می‌کنیم. در حالی که در زبان دولت و جامعه سکوت و تغافل هم یک سیاست است.

در زبان‌شناسی این بحث مطرح است که می‌توان زبان‌هایی متنوع و پراکنده برای گروه‌های مختلف داشت و در سیاست فرهنگی به کار گرفت و این را به معنای عقب‌نشینی از درجات عمیق ایمان یا مقام ثبوتی ایمان ندانیم. ایمان یک مقام ثبوتی دارد که غایت حکومت اسلامی است ولی یک زبان میان دولت و جامعه برقرار است. برخی ادعا می‌کنند که این مسئله نشانه عقب‌نشینی در نظام اسلامی است. ولی در واقع آیا نمی‌توان با زبانی بهتر با وضعیت ایمانی جامعه که در حال فراز و نشیب است، ارتباط برقرار کرد؟ این‌گونه می‌توان رابطه و حضور در مدار ایمان و در ایمان جمعی را حفظ کرد و به واسطه تداوم و بسط در دایره ایمانی، رابطه ایمانی افراد درجه افزایشی پیدا کند.

در مسائل فرهنگی حق نداریم از گام سوم شروع کنیم امامیدر خاتمه سخنانش تصریح کرد: بحث این است که هر جا دچار مسئله‌مندی فرهنگی می‌شویم، حق نداریم از گام سوم شروع کنیم، بلکه باید از پله اول شروع کنیم و جامعه را وسط میدان بیاوریم. در این شرایط حوزه معنایی حجاب و پوشش هم باید شناخته شود و بعد گام اول تا دهم شناسایی شود تا بتوان حرکت کرد. لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۱۴۹>

پیش‌نشست دوم همایش ملی «مسئله تورم در ایران» برگزار شد

پیش‌نشست دوم همایش ملی «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» با عنوان «تجارب کشورهای جهان در مقابله با تورم؛ دلالت‌هایی برای سیاست‌گذاری در اقتصاد ایران» ۱۹ شهریورماه توسط پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد. در ابتدای نشست، دکتر نرگس اکبرپورروشن، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر نشست، ضمن خیر مقدم به حضار در سالن و برخط، اشاره کوتاهی به اهداف همایش ملی «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» داشتند و اظهار امیدواری کرد که با برگزاری پیش‌نشست‌های مقدماتی برای همایش، بتوان بحث‌های عمیق‌تر و ریشه‌ای‌تری درخصوص تورم انجام داد. وی باتوجه‌به موضوع پیش‌نشست، بر اهمیت مرور تجارب کشورها به‌منظور استحصال آموزه‌های سیاستی برای اقتصاد ایران تأکید کرد و آن را پیش‌نیاز طراحی سیاست‌ها در حوزه‌های مختلف دانست.

هنر مهار تورم؛ دوراهی‌های سخت سیاست‌گذاری



سپس، دکتر کامران ندری، عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)، با عنوان «هنر مهار تورم؛ دوراهی‌های سخت سیاست‌گذاری»، به بیان توصیه‌های سیاستی مستخرج از تجربه مبارزه با تورم در کشورهای دارای تورم بالا پرداخت. وی ضمن طبقه‌بندی تورم از نظر شدت (تورم تورمی، تورم متوسط، تورم بالا و ابرتورم)، بیان کرد: اقتصاد ایران که از دهه ۵۰ با تورم مواجه شده، برای سال‌های زیادی تورم میانه را تجربه کرده است و طبق تعریف، تورم سالیانه بین ۱۵ تا ۳۰ درصد حداقل برای سه سال متوالی است. در سال‌های اخیر و با عبور نرخ تورم از ۳۰ درصد، تورم ایران عملاً وارد فاز تورم‌های بالا شده است. دکتر ندری تأکید کرد: تقریباً این اجماع بین اقتصاددانان وجود دارد که تورم‌های بالا مانع رشد اقتصادی است. به‌طور مشخص، ایشان دو عامل کلیدی را در این رابطه مطرح کرد: عامل نخست، مسئله کسب درآمد دولت‌ها از خلق پول است که در کشورهای دارای تورم میانه به‌طور متوسط حدود ۲ درصد تولید ناخالص داخلی است و ۱۰ درصد درآمد دولت را تشکیل می‌دهد. عامل دوم، هزینه‌های پایان‌دادن به تورم در کوتاه‌مدت است. نکته جالب توجه این است که هزینه‌های کاهش تورم در سطوح تورم‌های بالاتر (ابرتورم و تورم شدید) کمتر از میانه است. درنهایت، دکتر ندری با بیان ابزارها و سیاست‌های مورد استفاده کشورهای دارای تورم بالا برای مواجهه با تورم، توصیه‌های سیاستی خود را برای سیاست‌گذاری در ایران مطرح کرد، که ازجمله آن‌ها می‌توان به مدیریت نرخ ارز، تعدیل دستمزدها با نرخی کمتر از تورم (در صورت کنترل تبعات اجتماعی)، و اصلاحات نهادی مخصوصاً در دستگاه‌های تخصصی (مانند بانک مرکزی و سازمان برنامه‌وبودجه) در جهت استقلال بیشتر اشاره کرد.

جنبه‌های دیده‌نشده بروز تورم در اقتصاد ایران



در ادامه دکتر مهدی قاسمی علی‌آبادی، صاحب‌نظر حوزه پولی و بانکی، در سخنرانی با عنوان «جنبه‌های دیده‌نشده بروز تورم در اقتصاد ایران (مروری بر تجارب بین‌المللی)»، با تأکید بر مفهوم ریسک و مدیریت آن، بیان داشت که دو عامل منجر به تورم می‌شوند: رخداد‌های قطعی که بذر تورم را در اقتصاد می‌کارند و محیط نامناسب پولی که تورم در آن رشد می‌کند. به باور ایشان، گرچه هم‌حرکتی بین رشد نقدینگی و تورم در ایران قابل‌ملاحظه است، اما رشد نقدینگی خود معلول عواملی است که اگر به‌درستی موردتوجه قرار نگیرند، عملاً در کنترل تورم راه به جایی نخواهیم برد. بنابراین، در بحث درباره تورم باید یک گام به عقب رفت و ریشه‌های عوامل تورم‌ساز (طرف تقاضا، طرف عرضه یا ساختاری) را مدنظر قرار داد، وگرنه مبارزه صرف با افزایش قیمت‌ها و حجم نقدینگی نمی‌تواند نتیجه مطلوب را در کنترل تورم ایجاد کند.

این صاحب‌نظر حوزه پولی در ادامه برخی از مهم‌ترین ریشه‌های تورم را معرفی کرد که عبارت‌اند از: گستردگی پروژه‌های نیمه‌تمام دولتی، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی، ناترازی انرژی، تحریم‌ها، کاستی‌های نظام تأمین مالی، خروج سرمایه، مهاجرت نیروی انسانی، بحران بهره‌وری، ترجیح فراگیر سفته‌بازی بر تولید، زنجیره‌های ناقص تولید ناشی از تکنولوژی و ...



دکتر قاسمی، سپس به محیط نامناسب پولی کشور اشاره کرد و گفت: از ویژگی‌های محیط نامناسب پولی می‌توان به ارتباط نامناسب بین دولت و بانک مرکزی، نظام مالکیت غیرخصوصی بانک‌ها، فقدان نظارت قاعده‌مند بر بانک‌ها، نظارت منفعلانه بدون مدیریت ریسک، و اختلاط وظایف در بانک مرکزی را نام برد. وی در خاتمه سخنانش تأکید کرد: دولت برای کنترل تورم باید ریسک‌های منشأ تورم را برطرف کند و محیط بانکی را به‌نحوی اصلاح کند که برای مدیریت تورم مناسب باشد. این نشست پس از برگزاری جلسه پرسش و پاسخ خاتمه یافت.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۲۰۷>

روابط بین نسل‌ها در زیست جهان دیجیتال

سومین نشست از سلسله نشست‌های همایش ملی «فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی در ایران: روندها، چالش‌ها، راهکارها»، ۲۱ شهریورماه به میزبانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد. در این نشست دکتر محمد رهبری و دکتر منصور ساعی به سخنرانی پرداختند.



دکتر ساعی در مقدمه سخنان خود گفت: مطالعات نسلی در ایران تا قبل از دهه ۱۳۶۰ وجود نداشته است البته کارهای دکتر تهرانیان و دکتر اسدی مرتبط بوده ولی عیناً به موضوع پرداخته بود. اوج مطالعات نسلی در دوره اصلاحات و در گروه مناسبات نسلی و جوانان جهاد دانشگاهی انجام شد.

ساعی، تحولات در نظام ارزش را هم پیونددهنده و هم شکاف‌آفرین خواند و توضیح داد: این تحولات زمانی شکاف‌آفرین هستند. که تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به سرعت رخ دهند و در این شرایط تحولات نظام ارزشی به شکاف نسلی منجر می‌شود. با توجه به تحولات سریع رخ داده در ایران، شکاف نسلی هم اتفاق افتاده و شاهد تحول در نظام ارزشی نسل‌ها هم هستیم. براساس سخنرانی ساعی با مرور نظریه‌های مارگارت مید و مانهایم می‌توان گفت که مواجهه با مصرف فناوری‌های نوین، موجب ظهور نسل‌های جدید می‌شود. او باز جامعه‌پذیری را نیاز ضروری برای کنار آمدن نسل‌های قدیم با تحولات ارزشی نسل‌های جدید نامید.

این عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و ارتباطات توضیح داد: در غرب پس از جنگ جهانی دوم دسته‌بندی نسل‌ها عبارت است از نسل جنگ، نسل خاموش یا سازگار، نسل بیبی بومرز یا آرمان‌گرا، نسل ایکس، نسل وی، نسل زد، نسل آلفا و نسل سی. طبق نظر او، تحولات مختلفی که در ایران رخ داده از وقوع انقلاب ۵۷ تا توسعه شهرنشینی، تا جوانی جمعیت و ظهور و توسعه اینترنت، ایران را مستعد تولید و توسعه فاصله و شکاف‌های اجتماعی نسلی کرده است. به نظر دکتر ساعی در مطالعات نسلی رویکرد ارتباطی ضعیف است و توجه چندانی به نقش رسانه‌ها و روابط انسانی در وقوع شکاف نسلی نمی‌شود. او براساس مطالعات خود گفت که اختلال ارتباطی موجب شکاف نسل‌ها شده است. یعنی دو نسل امکان ارتباط و گفت‌وگو ندارند.

او براساس پژوهش‌های خویش و اینکه چرا نسل جدید، نسل قبل را نمی‌پذیرد؟ به دلایل زیر اشاره کرد: ۱- ارزش‌های ثابت جای خود را به ارزش‌های مدام عوض شونده (جایگشتی فرهنگی) داده

۲- اصول‌گرایی و غایت‌گرایی به لذت‌گرایی و منفعت‌گرایی تبدیل شده

۳- تنوع کم منابع دریافت اطلاعات جای خود را به فضای متکثر منابع دریافت اطلاعات داده

۴- ابراز هویت با پارادایم‌های خشونت‌طلب با ابزار هویت غیر خشونت‌طلبانه جایگزین شده است.

او در پایان به زیست جهان متمایز نسل‌ها نیز اشاره کرد که نسل جدید ناشی از تحولات تکنولوژیکی به تکینگی رسیده است. این نسل به دلیل چند منبعی بودن و تجربه چندصدایی، خلاق‌تر هم شده و عاملیت انسانی دارد. لذا کهن‌الگوهای آموزش و سیاست‌گذاری برای این نسل مفید نیست. نسل جدید هویت خود را با «رابطه» تعریف می‌کند زیرا شبکه و اتصال و دوستی مبنای رفتاری اوست.

نسل زد (Z) دنبال قدرت نیست، بلکه دنبال زندگی کردن است

در ادامه دکتر محمد رهبری سخنانش را آغاز کرد و گفت: صحبت از شکاف نسلی مبتنی بر داده‌ها و تجارب نسلی صورت می‌گیرد. با وجود اینکه شبکه‌های اجتماعی بر خلیقیات و ویژگی‌های باوری فرهنگ افراد اثر می‌گذارند ولی پژوهشگران نسل‌های قبل معتقدند این رسانه‌ها فقط ویژگی بازتابی و انعکاسی دارند. نسل زد (Z) دنبال قدرت نیست، بلکه دنبال زندگی کردن است



به‌نظر او متولدین دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ تفاوت‌های چشمگیری با متولدین دهه ۱۳۵۰ و قبل دارند. از ویژگی‌های آنها عبور از فراروایت‌ها و ایدئولوژی‌هاست. این نسل، خرده روایت‌ها را می‌پذیرد و ضمن این که خودش متکثر است، تکثر را هم به رسمیت می‌شناسد. اینها دین شخصی‌سازی شده دارند چون از یک ایده کلی پیروی نمی‌کنند. نسل جدید خیلی از باورهایش را کاستومایز می‌کند و آنها را انتخاب می‌کند که با منافع و ارزش‌هایش متناسب‌تر است.

این نسل دنبال قدرت نیست بلکه دنبال زندگی کردن است. لذا کنش سیاسی او برای به قدرت رسیدن نیست بلکه برای داشتن زندگی راحت است. منشاء اغلب این تفاوت‌ها، اثرپذیری از شبکه‌های اجتماعی است که اکنون به یکی از منابع جامعه‌پذیری این نسل تبدیل شده است.

دکتر رهبری سپس با تمرکز بر نسل زد (Z) ایرانی به سخنرانی درباره ارتباط نسل‌ها در فضای توئیتر پرداخت. و مصرف رسانه‌ای این نسل و تفاوتش با نسل‌های قبل را مورد بحث قرار داد. افراد ۱۱-۲۶ ساله موضوع بحث این سخنران بودند. او براساس پژوهش‌هایش توضیح داد: تفریح و وقت‌گذرانی دلیل اصلی حضور در شبکه‌های اجتماعی این نسل است، در حالی که ۶۱٪ نسل ایکس می‌گویند که برای برقراری ارتباط با خانواده از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و تفریح عامل دوم مصرف این شبکه‌ها برای نسل ایکس است.

رهبری با استناد به گزارش امسال مؤسسه آکسفورد درباره مصرف رسانه‌ای که مبتنی بر نظرسنجی که در ۵۶ کشور دنیا بوده (که ایران جزء شان نیست اما دکتر رهبری توضیح می‌دهد که در ایران هم این داده‌ها صادقند) می‌گوید که افراد ۱۸-۲۴ سال کاهش در مصرف فیسبوک، و افزایش در مصرف تیک‌تاک، تلگرام و اینستاگرام و تغییر کم در میزان مصرف توئیتر داشته‌اند. بنا به گفته او در یک دهه اخیر مصرف تیک‌تاک و اینستاگرام خیلی افزایش داشته است.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهند که در ۶۱٪ افراد جوان انگلستان و ۳۶٪ از جوانان در آلمان از رسانه‌های جریان اصلی استفاده می‌کنند. و منبع خبر آنها رسانه‌های اجتماعی است. نسل‌های جدید برای این که در جریان اخبار قرار بگیرند، کمتر تمایل به خواندن و بیشتر تمایل به دیدن و شنیدن دارد. تعداد ۱۹٪ این نسل تمایل به شنیدن برای کسب خبر دارند ولی افراد بالای ۳۵ سال، ۴ تا ۵ درصد در این گروه هستند.

دکتر رهبری تصریح کرد: نسل جدید از طریق پادکست‌های هفتگی کسب خبر می‌کنند و نسل قبل اصلاً به پادکست‌ها بی‌توجه است. برای نسل z یوتیوب یک رسانه اجتماعی اصلی است و بعد اینستاگرام و توئیتر منبع خبر اصلی این افراد هستند. نسل z در توئیتر ۲۱٪ و بیش از نسل قبل تولید ویدئو می‌کند و از گیفت استفاده می‌کند. برای نسل جدید کلمه مهم نیست بلکه تصویر اهمیت دارد. او در خصوص پادکست گفت: ۵۶٪ از جوانان جهان ۱۸-۲۴ سال پادکست گوش می‌دهند. به نظر دکتر رهبری در ایران هم آمار باید نزدیک باشد. وی تأکید کرد: این ترند جدیدی است و مردان و افراد با تحصیلات بیشتر و ثروت زیادتر، پادکست بیشتری هم می‌شنوند.

چرا نسل z به توئیتر می‌آید؟

او با تمرکز بر توئیتر گفت: در سال ۲۰۲۱ نیمی یا ۵۰٪ از توئیت‌ها توسط این سن انجام شده است. وی این سؤال را طرح کرد که چرا نسل z به توئیتر می‌آید؟ و پاسخ داد: برای آگاه شدن از اتفاقات در حال وقوع درباره گروه مورد علاقه یا دوست‌شان یا فرهنگ و سیاست و ... حضور در توئیتر برایشان سوژه‌ای برای فعالیت مدنی نیست بلکه برای شوخی، رشد و یادگیری است. آنها برای خواندن روایت‌های شخصی افراد به توئیتر می‌آیند. او توضیح داد که صراحت بیشتر و دوری از مخفی‌کاری ویژگی توئیتر است.



فقط نسل خودشان متوجه شوخی و خنده‌دار بودن موضوع می‌شوند

او در توضیح ویژگی‌های نسل زد گفت: این نسل تغییرخواه هم هست و منتظر حل مشکلات نیست. خواهان تغییر فوری است! و نمادها و ارزش‌های نسل پیش را تغییر داده یا نمی‌پذیرد. ۷۷٪ کاربران توئیتر، سلبریتی‌ها را از میان خود انتخاب می‌کنند و خیلی از اینها تفاوت بارزی با دیگران ندارند. این نسل شوخی‌های خاص خود را دارند. با اصطلاح «اگر می‌دانی، می‌دانی» شوخی منحصر به فرد دارند و فقط نسل خودشان متوجه شوخی و خنده‌داری موضوع می‌شوند.

و اما ایران

دکتر رهبری ادامه داد: درباره ایران پژوهش‌های مستقل کمی داریم. در خرداد ۱۴۰۱ آمار نشان می‌دهد که در قیاس با افراد بالای ۵۰ سال، اختلاف زیادی بین نسل z ایرانی هست. حدود ۸٪ این افراد از توئیتر استفاده می‌کنند. در حالی که به‌طور میانگین ۳٪ مردم در توئیتر هستند. او گفت: در مطالعات خودش روی توئیتر، اولین بروز نسل z در توئیتر ۷۰ تا ۸۰ درصد با «کی‌پاپ» بوده است. در آن دوره ترند شدن EXO # پدیده جالبی بود. تعداد ریتوئیت‌های غیرنرمال زیاد بود که نوعی از رفتار هماهنگ را نشان می‌داد. این سخنران، کی‌پاپ را نمود نسل Z در توئیتر می‌داند. او گفت که تا امروز رفتار این گروه‌ها را دنبال کرده و متوجه شده است که این گروه در رویدادهای سیاسی هم گروه‌های خاص خود را دارند و معمولاً گروه آن‌ها منفک و بدون یال هستند.

اولین بروز سیاسی نسل زد

اولین بروز سیاسی این گروه در توئیتر مربوط به مهسا امینی و گشت ارشاد در سال ۱۴۰۱ است. با وجودی که اجتماع (کامیونیتی) خود را داشته‌اند و با سایر گروه‌های توئیتر به‌ویژه با روزمره‌نویسان ارتباط برقرار کرده‌اند، بعداً در کمپین تحریم دیجی‌کالا نیز فعال شدند. الان هم دوباره به فضای جدای خودشان برگشته‌اند. سخنان رکیک!

این سخنران با توضیح نکات زیر به سخنرانی خود پایان داد: زیر ۱۰٪ توئیتهای این نسل حاوی سخنان رکیک است. نگاه انتقادی به نوع کنش‌گری نسل‌های قبل دارند. غالب توئیتهایشان سرگرمی است و رویکرد یادگیرنده هم نسبت به گذشته دارند. او معتقد است که نسل Z با وجود رادیکالیسم که در فرم و محتوا دارند، از منظر فرهنگی خیلی روادار هستند اما رواداری سیاسی کمتری دارند.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihs.ac.ir/fa/news/۲۴۲۲۴>



شبکه واژگانی زبان بلغاری؛ وضعیت و چالش‌ها

نشست «شبکه واژگانی وردنت برای زبان بلغاری؛ وضعیت و چالش‌ها» با حضور و سخنرانی پروفسور پتیا اوسنوا، ۲۸ شهریورماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست که به همت پژوهشگاه زبان‌شناسی و با همکاری مدیریت همکاری‌های علمی بین‌المللی نشست برگزار شد، دکتر مسعود قیومی نیز به‌عنوان دبیر نشست حضور داشت.

در این نشست پروفسور پتیا اوسنوا (Petya Osenova)، استاد زبان‌شناسی در دانشگاه سنت اوهریدسکی و پژوهشگر هوش مصنوعی و فناوری زبان در فرهنگستان علوم بلغارستان در صوفیه پایتخت بلغارستان، با عنوان «شبکه واژگانی وردنت برای زبان بلغاری» سخنرانی خود را ارائه کرد و توضیح داد: این شبکه، منبع واژگانی رابطه‌ای است که مدخل‌های اصلی آن مجموعه‌ای از مترادف‌ها (synsets) را تشکیل می‌دهد که نمایانگر معنی مفهومی مشترک است. در میان مترادف‌ها روابط گوناگونی همانند «است-یک» (is-a)، «بخشی از» (part-of)، «مشتق از» (derived-from) و... گنجانده شده است.

وی افزود: مانند بیشتر شبکه‌های واژگانی، وردنت بلغاری ابتدا از ترجمه شبکه واژگانی وردنت انگلیسی تهیه شده در دانشگاه پرینستون به بلغاری آغاز شد. هرچند صرفاً گروهی از مفاهیم بنیادی ترجمه شد، بعد از این مرحله، با رویکردهای پیکره بنیاد کار توسعه داده و وابسته به زبان شدن داده برای بلغاری ادامه پیدا کرد. اکنون وردنت بلغاری بیش از ۳۳۰۰۰ مترادف دارد و به وردنت باز انگلیسی متصل است که جانشین وردنت پرینستون بوده و برای عموم در دسترس است.

پروفسور اسنوا در مورد تاریخچه ایجاد وردنت بلغاری توضیح و سپس رویکردهای اصلی‌ای که در ساخت وردنت به‌کار رفته است را مورد بحث قرار داد. همچنین درباره نرم افزاری که در ساخت، اعتبارسنجی و بررسی خطاها و ویرایش وردنت استفاده می‌شود، توضیحاتی ارائه کرد. وی به‌عنوان سخن آخر که حائز اهمیت بود، کاربردهای متعدد وردنت منتج از درخت بانک بلغاری را که همانا نمای یک‌پارچه همه چیز درباره واژه‌ها و بازی با معنی واژه‌ها بود، تشریح کرد.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۲۵۳>


 Ministry of Science, Research and Technology
 Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)

Faculty of Linguistics holds the lecture entitled:
"BTB-WordNet for Bulgarian:
Status and Challenges"

Invited Speaker:
Prof. Dr. Petya Osenova
 (Sofia University, Bulgaria)

Scientific Director:
Dr. Masood Ghayoomi
 (IHCS, Iran)

Time: Sep. 19, 2023
10:30- 12:30 AM (Tehran local time)
Place: IHCS- Adab Hall

Link:
<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-w91-14c-vyz>
 The link has been shortened: <https://B2n.ir/k67457>



کاربست کارکردگرایی آلتون در زبان دین

نشست علمی «کاربست کارکردگرایی آلتون در زبان دین» با ارائه دکتر حسین شوروی، ۲۶ شهریور ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. دبیر علمی این جلسه نیز دکتر مهدی اصفهانی بود.



دکتر شوروی صحبت‌شان را با اشاره به این مسئله شروع کردند که آیا می‌توان بر اساس نظریه کارکردگرایی آلتون، نظریه معنادار و معرفت‌بخش تدوین کرد که به‌طور حقیقی و غیرمجازی بر خداوند صدق کند؟ وی سپس بحث خود را با بیان مسئله شروع کرد و گفت: آیا گزاره‌های به‌کار رفته در متون دینی واجد معنای استعاری است یا حقیقی؟

اگر بپذیریم که این گزاره‌ها معنای استعاری دارند، آیا آنها قایل تحویل به گزاره‌های حقیقی هستند یا خیر؟ و اگر بتوان آنها را به گزاره‌های حقیقی تحویل برد، آیا می‌توان بر اساس نظریه کارکردگرایی معنای حقیقی آنها را به‌دست آورد؟

بر این اساس و بر اساس نظریه کارکردگرایی، چه تحلیلی می‌توان از صفات علم و خواست در خداوند داشت؟ دکتر شوروی در ادامه مراحل حل مسئله را این‌چنین شرح داد:

مرحله اول: نظریات مطرح شده در زبان دین

مرحله دوم: تفکیک گزاره‌های استعاری از گزاره‌های حقیقی و تحویل‌پذیری جزئی

مرحله سوم: کاربردگرایی در زبان دین

مرحله اول: نظریات مطرح شده در زبان دین

۱- زبان به‌کار رفته در متون دینی:

الف: پوزیتیویستی

ب: زبان غیرشناختاری

ج: زبان خاص

د: زبان عرفی

۲- زبانی که در نحوه سخن گفتن از خداوند مطرح است:

الف: زبان نمادین

ب: زبان سلبی

ج: نظریه تمثیل

د: اشتراک معنوی

ی: کارکردگرایی



مرحله دوم: تفکیک گزاره‌های استعاری از گزاره‌های حقیقی و تحویل‌پذیری جزئی

مسئله اصلی در این بخش پاسخ به نظریات مطرح شده در دسته اول زبان دین؛ یعنی زبان به‌کار رفته در متون دینی است.

گزاره‌های به‌کار رفته در متون دینی:

- ۱- یا به شکل حقیقی بیان شده‌اند
 - ۲- یا به شکل استعاری
- پل تیلش: خداوند موجود نیست، بلکه صرف الوجود است؛ با زبان طبیعی بشر، فقط می‌توان در مورد موجود به نحو معنادار سخن گفت.
- وی در ادامه سخنانش با طرح این سؤال که اگر بپذیریم گزاره‌های به‌کار رفته در متون دینی استعاری هستند، آیا می‌توان آنها را به گزاره‌های حقیقی تحویل برد؟
- مسئله معناداری:
- ۱- نظریه مصداقی
 - ۲- نظریه تصویری
 - ۳- نظریه رفتاری
 - ۴- نظریه کاربردی معنا
 - ۵- نظریه کنش‌گفتاری (معنا وابسته به کنش‌ها و عملکردهای زبانی است)

معنا، ارتباط بین مفهوم با یک ویژگی عینی است و نظریات مربوط به معنا به دنبال کشف چنین ارتباطی بوده‌اند. دکتر شوروزی در تعریف استعاره گفت: هرگاه تعبیری به گونه‌ای به‌کار رود که هر چند در هیچ یک از معانی رایج‌اش به‌کار برده نشده است با این همه برای یک فرد نسبتاً مسلط به آن زبان قابل درک باشد، می‌گوییم آن تعبیر یا واژه به نحو مجازی به‌کار رفته است و استعاره نیز آن‌گونه‌ای از کاربرد مجازی است که در آن مصداق بر مبنای مشابهت توسعه یافته است.

وی در خصوص تحویل‌پذیری جزئی استعاره‌های دینی به سه مورد اشاره کرد:

- ۱- استعاره بر مبنای نوعی شباهت با معنای حقیقی حاصل می‌شود.
 - ۲- اگر ما هیچ فهم حقیقی از استعاره‌های دینی نداشته باشیم، هیچ توصیفی از خداوند نیز نمی‌توانیم داشته باشیم و در این صورت تمام گزاره‌های استعاری پوچ و بی معنا خواهند بود.
 - ۳- در گزاره‌های استعاری ویژگی خاصی به موضوع نسبت داده می‌شود، این ویژگی باید قابل تحویل به معنای حقیقی باشد وگرنه صدق آن از بین خواهد رفت.
- وی همچنین در خصوص دلایل الستون در تحویل‌پذیری جزئی استعاره‌های دینی پنج مورد را نام برد و شرح داد:
- ۱- هر گزاره‌ای می‌تواند در مورد خداوند صادق باشد.
 - ۲- هیچ گزاره دینی با گزاره دینی دیگر منطقاً متناقض نمی‌شود.
 - ۳- هیچ استنتاج منطقی برای گزاره‌های دینی امکان‌پذیر نخواهد بود.
 - ۴- پیشگویی‌های دینی مورد انکار قرار می‌گیرند.
 - ۵- هیچ رهیافت عملی و اخلاقی نمی‌توان از دین استنباط کرد.

مرحله سوم: کاربست کارکردگرایی در زبان دین

مسئله اصلی در این بخش پاسخ به نظریات مطرح شده در دسته دوم زبان دین؛ یعنی نحوه سخن گفتن از خداوند است.

مسائل مطرح شده در این بخش: ۱- تحلیل نظریه کارکردگرایی در زبان دین ۲- تبیین ماهیت علم خداوند ۳- تحلیل اوصاف خواست و علم بر اساس نظریه کارکردگرایی

گزاره‌های دینی

- ۱- گزاره‌های حملی (موضوع-محمولی) ناظر به خداوند که مدعی صدق هستند.
- ۲- اوصاف و محمولات ایجابی و درون ذاتی
- ۳- محمول‌های شخصی
- ۴- محمول‌های روانی و فعلی

آلستون و دیدگاه سنتی ادیان توحیدی

پرسش مهم و اساسی امکان سخن گفتن حقیقی از خدا بیشتر در تلقی خداپاوری توحیدی سنتی خود را نشان می‌دهد؛ چرا که این تلقی از خدا دو ویژگی مهم دارد که در ظاهر کاملاً متناقض نما به نظر می‌آیند. الف- تنزیه و تعالی خدا یا به کلی دیگر بودن او: به معنای متفاوت بودن او از هر جهت با همه مخلوقات. ب- تشخیص یا شخص‌وارگی خدا: به معنای فاعل و عامل شخصی بودن خدا یا دارای اوصاف انسانی متمایز بودن او. برای حل این تناقض سه راه بیشتر وجود ندارد: ۱- اشتراک لفظی تام ۲- اشتراک معنوی تام. ۳- اشتراک معنوی جزئی (کارکردگرایی).

کارکردگرایی

مفاهیم روانی، ویژگی و خاصیت کارکردی دارند، در ذات خود کارکردی هستند، از جنس مفاهیم کارکردی هستند. همچون مفاهیمی دیگر از این نمونه در زبان طبیعی مانند: بلندگو و تله‌موش که صرف‌نظر از جنس، شکل و نحوه عمل، در طبیعت و ذات مفهوم، شأن ابزاری و کارکردی بودن نهفته است، برای مثال، به‌عنوان ابزار و کارکردی برای تبدیل سیگنال‌های الکتریکی به صدا یا گرفتن موش تعریف می‌شوند. تمایز از رفتارگرایی بخاطر تأکید بر نقش ذهن و روان بر ظهورات و کارکردهای بیرونی روان آدمی نقش واسطه‌گری بین اوصاف درونی و تظاهرات بیرونی بازی می‌کنند. دکتر شوروزی در ادامه مباحث خود به «کاربست کارکردگرایی بر زبان دین» اشاره کرد و گفت: به‌کارگیری مفاهیم یکسان از موجودات کاملاً متفاوت (به‌کارگیری حافظه در مورد انسان و کامپیوتر) برای اثبات کارکردگرایی در خداوند باید نشان دهیم خداوند همان کارکردی را دارد که انسان دارد. وابستگی تبیین اوصاف درونی در نظریه کارکردگرایی، به تبیین اوصاف فعلی در خداوند سه ویژگی در خداوند که مانع اشتراک صفات فعلی انسان و خدا می‌شود.

غیرجسمانی بودن خداوند

یکی از موانع اسناد فعلی شبیه انسان به خداوند غیرجسمانی بودن اوست؛ زیرا هر فعل و رفتاری در انسان مستلزم حرکت دادن بدن است. آیا می‌توان فعلی داشت که نیاز به حرکت دادن بدن نداشته باشد؟

تقسیم افعال به پایه و غیرپایه

افعالی که در الهیات مطرح هستند: افعال همچون امر کردن، بخشیدن، حرف زدن، ساختن (خلق)، هدایت کردن حرکت بدنی جزء معنای این افعال نیست، به‌عنوان مثال، مفهوم امر کردن فقط دستور دادن را می‌رساند و وسیله انجام آن در معنای آن نهفته نیست. عنصر اصلی مفهوم یک فعل، تنها این است که تغییری تحت کنترل ارادی فاعل ایجاد شود، هیچ چیز دیگری برای فعل بودن فعل نیاز نیست. بنابراین هر فعلی از نظر آلستون تغییری است در عالم که از روی قصد یک فاعل نتیجه می‌شود و کیفیت انجام چنین تغییری مربوط به ماهیت فاعل می‌شود نه مفهوم فعل. وی در مورد بی‌زمان بودن خداوند گفت: فعل و عمل از اموری هستند که در بستر زمان و به نحو تدریجی محقق می‌شوند و وجود رابطه علی بین افعال و در نتیجه توالی زمانی رخ می‌دهد و زمان، به‌عنوان ظرف تحقق عمل است نه جزء معنای آن. همیشه فعلی که بر اساس رابطه علی معلولی واقع می‌شود، مستلزم توالی زمانی نیست بلکه گاهی اوقات می‌تواند مستلزم معیت وجودی علل و معالیل باشد.



بی‌نهایت بودن (کامل مطلق بودن) خداوند

برای تحلیل ویژگی بی‌نهایت بودن خداوند به تحلیل صفات خداوند بر اساس کارکردگرایی می‌پردازیم:

تحلیل صفت خواست در انسان

اگر S, p را بخواهد و آگاهی داشته باشد که انجام فعل A به تحقق خواسته p منجر می‌شود، بنابراین S تمایل به انجام فعل A پیدا می‌کند.

موانع

۱- وصف خواستن در جایی معنا پیدا می‌کند که فاعل برخی از کمالات را بالفعل نداشته باشد و در پی کسب آن کمالات بر بیاید و از این طریق نقایص خود را جبران کند.

۲- انسان خواست‌های متنوعی دارد که چه بسا گاهی با یکدیگر متعارض باشند ولی خداوند چون موجودی کامل و خیر مطلق است، تنوع مقاصد متعارض و تعدد خواست‌های متناقض در او امکان ندارد.

تحلیل کارکردی صفت خواست در خداوند

تحلیل صفت خواست بر اساس هدف‌مندی

تحلیل صفت خواست بر اساس درک خوبی یا علم به خیر

ماهیت علم خداوند

آیا می‌توان گفت ماهیت علم خداوند، باور صادق موجه است؟

دو دیدگاه را در مورد چیستی ماهیت علم خداوند: دیدگاه گزاره‌ای و دیدگاه شهودی

آکویناس: خدا فعل محض و بسیط مطلق است. پس در خدا هیچ تمایزی میان علم و متعلقش وجود ندارد. خدا با علم داشتن به ذات خودش همه‌چیز را می‌داند.

دلایل بر اینکه علم خداوند نمی‌تواند باور صادق موجه باشد

باور از علم متمایز است و باور در جایی اتفاق می‌افتد که شخص شناخت کافی نسبت به چیزی ندارد. شرط توجیه در معرفت قلمداد کردن باور


 وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پژوهشکده فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

کاربست نظریه کارکردگرایی آلستون

در زبان دین

سخنران:
دکتر حسین شوروژی

دبیر علمی جلسه:
دکتر مهدی اصفهانی

یکشنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۵ تا ۱۷

لینک حضور مجازی در نشست:
<https://webinar.iics.ac.ir/b/ihc-8n7-o7n-ns5>

باور در یک موجود در صورتی معرفت قلمداد می‌شود که آن موجود تابع یک سری اصول و الزامات عقلی باشد. خداوند عالم مطلق است، نیازی به توجیه برای علمش ندارد، بنابراین خداوند نمی‌تواند باور داشته باشد. نظریه شهود مستقیم آلتون خدا مستقیماً جهان را شهود می‌کند؛ یعنی خود واقعیت عینی، مورد شهود قرار می‌گیرد و چون خداوند موجودی کامل است، علمش نیز باید کامل‌ترین باشد، بنابراین علم خداوند باید شهودی باشد.

وصف علم

هنگامی که در مورد انسان می‌گوییم، شخص الف به ب علم دارد دو کارکرد را از آن می‌توان قصد کرد:

- الف فعل خاصی متناسب با ب انجام دهد: به‌عنوان مثال برای علم «به باریدن باران» با فراهم بودن شرایط روانی دیگر، اقدام به برداشتن چتر کند.
- فعل استنتاج: الف با علم به ب و ترکیب آن با سایر علم‌ها منطقاً به نتایج جدیدی دست می‌یابد. بنابراین دو تعریف کارکردی از علم می‌توانیم ارائه دهیم: علم حالت و وضعیتی در الف است که یا ۱- منجر به انجام فعل متناسب با ب می‌شود و یا ۲- به واسطه آن علم لوازم منطقی ب کسب می‌شود.

مانع

همیشه علم به چیزی منجر به صدور افعال متناسب با آن نمی‌شود و همچنین گاهی انسان به چیزی علم دارد ولی به لوازم منطقی آن منتقل نمی‌شود. در اینجا با اضافه کردن واژه تمایل می‌توان این دو مانع را رفع کرد. توصیف کارکردی علم خداوند

دو مانع در اسناد کارکردی علم بر خداوند

- در تعریف دوم این مانع وجود دارد که استنتاج عملی است تدریجی که در بستر زمان واقع می‌شود در حالی که خدا مجرد از زمان و حرکت تدریجی است. علاوه بر این انتقال از مقدمات به نتایج در هر استنتاج مستلزم فرض نقص و امکان جهل در علم است، در حالی که خداوند عالم مطلق است و هیچ جهلی در او راه ندارد. برای هر قضیه صادقی مثل p خدا به طور اتوماتیک و مستقیم و بدون نیاز به اینکه چیز دیگری را بداند، P را می‌داند. بنابراین با این تفسیر حصول علم از طریق استنتاجات منطقی را نمی‌توان برای خدا به کار برد.
- در تعریف اول نیز اگر بخواهیم برای علم خداوند نقش کارکردی فرض کنیم دو مسئله مناقشه انگیز کلامی ظهور می‌کند: ۱- علم به خدا به جزئیات عالم ۲- علم خدا به افعال ارادی انسان آزاد و مختار. در پاسخ به مسئله اول: رفتار خدا نه بر اساس علم به جزئیات بلکه بر اساس علم او به خیر برتر تنظیم می‌شود. در پاسخ به مسئله دوم: پذیرش اراده آزاد و مستقل انسان از فعل دیگر خدا که در قبال علمش به افعال و رفتار انسانی انجام می‌دهد.

دکتر شوروی در نتیجه‌گیری پژوهش خود گفت: در این پژوهش به این مسائل پاسخ داده شد: گزاره‌های به‌کار رفته در متون دینی، استعاری‌اند یا حقیقی؟ و اگر استعاری‌اند، آیا می‌توان آنها را به معنای حقیقی بازگرداند؟

آیا می‌توان به نحو معنادار در مورد خداوند سخن گفت؟ و اگر پاسخ مثبت است با چه روشی؟ آیا می‌توان بر اساس نظریه کارکردگرایی، صفات خداوند را تبیین کرد؟ ماهیت علم خداوند چیست؟ و صفات خداوند بر اساس کارکردگرایی چه معنایی دارند؟ بر اساس اشتراک معنوی تام نمی‌توان در مورد خداوند صحبت کرد. بر اساس اشتراک لفظی تام هم نمی‌توان در مورد خداوند سخن گفت. اشتراک معنوی جزئی بر اساس نظریه کارکردگرایی معنادار بودن گزاره‌های دینی بر اساس کارکردگرایی پاسخ به گروهی که قائل به استعاری بودن زبان دین هستند (علم گرایان) پاسخ به گروهی که امکان شناخت خداوند را منتفی می‌دانند. تبیین ماهیت علم خداوند

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/24051>

آینده و فرصت‌های ارتباطات و تحولات نسلی در ایران

چهارمین پیش‌نشست همایش ملی «فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی در ایران: روندها، چالش‌ها و راهکارها» با عنوان «آینده و فرصت‌های ارتباطات و تحولات نسلی در ایران»، ۲۹ شهریورماه، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

نسل‌ها و فرصت‌ها: نگاهی به دیدگاه نسلی نوربرت الیاس

در ابتدای نشست، دکتر محمدمبین کنعانی، عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان، سخنرانی خود را با عنوان «نسل‌ها و فرصت‌ها: نگاهی به دیدگاه نسلی نوربرت الیاس» ارائه کرد و گفت: ابتدای شکل‌گیری هویت یک فرد، دوره نوجوانی است. اولین بارقه‌های ایزه‌های کودکی توسط والدین تحمیل می‌شود، ولی در دوره نوجوانی است که نوجوان تلاش می‌کند که ایزه‌های خودش را تعیین کند. لذا در این سن والدین با فرزندان چالش دارند. به‌عنوان نمونه در انتخاب رشته فرزندان معمولاً دچار تنش می‌شوند.

وی سپس به دو تعریف از نسل اشاره کرد و خاطر نشان ساخت: در تعریف انسان‌شناختی، انسان‌شناسان به روابط خویشاوندی اهمیت می‌دهند و بر این اساس معتقدند که فاصله نسلیها ۲۵ سال است و هر ۲۵ سال یک نسل شکل می‌گیرد. در این تعریف، انتقال میراث فرهنگی از والدین به فرزندان صورت می‌گیرد. اما در تعریف جمعیت‌شناختی، وجه غالب نسل، مفهومی به نام «کوهورت» است که به معنای لغوی به معنای «هم‌دوره‌ای» است و از دسته‌ای از افراد صحبت می‌کنند که در دوره‌ای، رویدادهای خاصی را تجربه می‌کنند. مثلاً افرادی که در سال ۱۴۰۰ وارد دانشگاه شدند، تجربه خاصی را از سر گذراندند که افراد در دوره‌های دیگر این تجربه را نداشته‌اند یا قدیم‌تر نسلی که انقلاب و جنگ را تجربه کرد، نسلی متفاوت بود، چراکه تجربه متفاوتی داشت.

این استاد دانشگاه با اشاره به نظرات مانهایم یادآور شد: مانهایم نسل را گروهی در نظر می‌گیرد که جایگاه مشترک دارند و جایگاه مشترک آنها «تولد» است، لذا بیولوژی با بحث نسل گره خورده است، چراکه از جایگاه نسلی مشترک برخوردار می‌شوند. مفهوم دیگری که وی وارد می‌کند «مشارکت و تجربه کردن رویدادها» است، لذا بر مبنای تعریف مانهایم، بسیاری از جامعه‌شناسان در همین تعریف اصلی و کوهورتی نسل مشترک هستند.



دکتر کنعانی در ادامه به نظرات «نوبرت الیاس» پرداخت و افزود: در تعریف اساسی نسل، تفاوت چندانی بین الیاس و مانهایم وجود ندارد، اما اهمیت الیاس در تحقیقات تجربی است که در زمینه نسلی انجام داده، در حالیکه مانهایم فاقد بنیان‌های تجربی لازم در این حوزه است. بنابراین الیاس ضعف داده‌ای و تجربی نسل را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، در رویکرد نظری هم قدری تفاوت بین این دو وجود دارد. الیاس رویکرد فرآیندی دارد و نسل را در طی فرآیند زندگی اجتماعی معنا می‌کند. رویکرد شبکه‌ای الیاس هم خصلت تجربی و داده‌ای الیاس را تقویت می‌کند. در واقع در رویکرد شبکه‌ای افراد وابسته به هم هستند.

وی با اشاره به سومین جنبه از رویکرد الیاس، آن را مهم دانست و خاطرنشان کرد: در این رویکرد، از مقوله‌ای به نام «شانس‌ها و فرصت‌هایی» که برای نسل فراهم می‌شود یا از آن گرفته می‌شود، صحبت به میان می‌آید. بر این اساس، سؤال این است که چه رویدادی تجربه مشترک متولدین دهه ۸۰ است؟ به نظر می‌رسد که غلبه امر رسانه و رسانه‌ای شدن زندگی آنها، تجربه مشترک‌شان باشد. در واقع زندگی آنها بدون رسانه بی‌معنا است و دائماً با رسانه کار دارند، لذا نسل رسانه‌ای می‌تواند وضعیت آینده را رقم زند.

کانال‌های فرصت

طبق نظر این عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان، بزرگترین چالش نسل رسانه‌ای بسته شدن کانال‌های فرصت است. این نسل با نوعی کمبود شغلی مواجه است و لذا با بسته بودن فرصت‌های شغلی، تلاش می‌کند از طریق رسانه برای خود فرصت شغلی ایجاد کند. در کنار آن رسانه برای این نسل، منبعی برای شکل‌گیری معناست و مجموع این دو حوزه باعث می‌شود که این نسل تحرک زیادی داشته باشد. براساس نظر این سخنران، فرصت‌هایی که از یک گروه سلب می‌شود، یا داده می‌شود، ویژگی‌های نسل را می‌سازد. به باور او، رسانه در جهان امروز نقش عملی در شکل‌گیری نسل دارد و مطالعه رابطه نسل و رسانه و تقاطعات آنها با یکدیگر، موضوعات مهمی هستند که باید مطالعاتی مرتبط با آنها انجام شود.

ملاحظات درباره آینده‌پژوهی در حوزه تحولات نسلی

سخنران دیگر این نشست دکتر محمد مهدی مولایی درباره تحولات نسلی با عنوان «ملاحظات درباره آینده‌پژوهی در حوزه تحولات نسلی» صحبت کرد. طبق نظر او از منظر آینده‌پژوهی کارهای نسلی در ایران خیلی کم است و عمدتاً در سطح پیش‌بینی به آن توجه می‌شود، اما در واقع، آینده‌پژوهی با نگاه‌های متفاوتی تلاش می‌کند جریان‌ها را بشناسد و به تحقق آینده بهتر کمک کند. به نظر وی آینده از «برهم‌کنش» چهار عنصر مطالعه می‌شود: رویدادها، تصاویر، روندها و عوامل در حال ظهور و اقداماتی که انجام می‌شود. مطالعه آینده توأمان مطالعه زمان حال و گذشته را در برمی‌گیرد.

نسل‌های ایکس، وای و زد

دکتر مولایی توضیح داد: در حوزه تحولات نسلی در غرب، مبنای مطالعات روی نسل‌های ایکس، وای و زد است (x.y.z). نسل جهانی هم‌عنوانی است که متأثر از جهانی شدن در اغلب کشورها استفاده می‌شود به جز کشورهای آسیای جنوب شرقی که نسل‌بندی‌شان را با عناوین متفاوتی بیان می‌کنند. در ایران، ابتدا مطالعات نسلی از عبارات، نسل اول، دوم و سوم و بعد بر مبنای سال تولد را طرح کردند. در چارچوب مبتنی بر نسل‌بندی در کشورهای غربی، رویداد بخشی از هویت یک نسل را می‌سازد. این موضوع وجود یا گسست پیوستگی نسلی را نشان می‌دهد. رویدادها تجربیات مشترک نسل‌ها را می‌سازند. مثلاً نسل جدید معادل ایکس غربی (دهه ۸۰ ایران) چون رویدادهای بزرگ متفاوتی نسبت به نسل‌های قبل تجربه کرده‌اند، با نسل‌های قبل فرق دارد.

عناصر دوم آینده‌پژوهی روند است که جنبه جمعیت‌شناسی دارد و این که نسل‌ها جایگزین هم می‌شوند، رفتار و گرایش‌های آنها در قالب روندها مطالعه می‌شوند. نکته مهم مورد توجه آینده‌پژوهی، توجه به عوامل در حال ظهور است که روندهای در حال شکل‌گیری و تثبیت نشده هستند. فهم این عوامل سیاست‌گذاری و مدیریت را منطقی و مفید می‌سازد.

نکته دیگر، مطالعه تصاویر آینده است با این منطق که این تصاویر تا حد زیادی تصمیم‌های ما را می‌سازند و واقعیت از دل اینها شکل می‌گیرد. مطالعه تصاویر نسل‌های مختلف نسبت به موضوعات متفاوت به حاکمیت کمک می‌کند که قبل از تبدیل آنها به رفتار، شناسایی و مدیریت شوند. دکتر رهبری توضیح داد که چگونه رخداد شکاف در انتخابات و تبدیل شدن نسل به عامل اصلی در رقابت‌های سیاسی موجب اهمیت یافتن نسل شده است.

این استادیار دانشگاه در ادامه: شوارتز، پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها را عوامل اصلی آینده می‌داند. از این منظر بحث نسل‌ها را در نسبت با پیشران‌های بیرونی می‌توان فهمید، نگاه کل‌نگر و تلاش برای دیدن یک پدیده از مناظر مختلف، ویژگی آینده‌پژوهی است که موجب شده آن را یک فعالیت فرارشته‌ای بدانند که عملاً یا همکاری حوزه‌های دانشی مختلف می‌تواند انجام شود. از این منظر اگر بخواهیم مطالعات نسلی را هدف خود قرار دهیم، پیشران‌های بیرونی بحث‌های فناورانه مثل ارزش‌های دیجیتال تا فناوری‌های جدید و مباحث کلان حقوقی، سیاسی و غیره مرتبط با آنها باید مدنظر قرار گیرند.

دکتر مولایی چارچوب دیگری معرفی کرد که دقت بالاتری دارد و عوامل را در پنج گروه قرار می‌دهد و عبارت است از طیف تغییر از ثابت‌ها تا آشوبناک و طیف دانش که مدام ضعیف‌تر می‌شود، لذا تناقض‌ها (روندها) عدم قطعیت‌ها و شگفتی‌سازها مطرح می‌شوند. در تحولات نسلی، ثابت‌ها نسبت به قرن‌های گذشته در مراحل زندگی بازتعریف شده‌اند و مثلاً الان kipperها یا wixterها اضافه شده‌اند. (جوانانی که همچنان با خانواده‌هایشان زندگی می‌کنند). دقت در این الگوهای به‌ظاهر ثابت مهم است. تناقض‌ها و کشف آنها مثل استفاده زیاد نسل زد از وسایل ارتباطی و احساس تنهایی شدید در آنها یا برآورد اینکه نسل‌ها در هرم جمعیتی چه جایگاهی دارند، باید مطالعه شوند. عدم قطعیت‌ها عوامل آینده‌ای هستند که مسیرشان برای ما مشخص نیست. مثلاً ما می‌دانیم تا ۱۰ سال آینده جمعیت ایران به سمت پیری خواهد رفت. اما عناصری از آینده هم وجود دارند که درباره‌شان برآوردی نداریم.

هوش مصنوعی و افزایش نرخ بیکاری در آینده

او در ادامه به معرفی شگفتی‌سازها پرداخت و گفت: شگفتی‌سازها یا wild cards حوادث با احتمال وقوع اندک هستند که تأثیرات زیادی را می‌توانند ایجاد کنند. شگفتی‌سازها ۳ دسته‌اند: عوامل طبیعی مثل زلزله، سونامی و ... عوامل انسانی هم دو دسته‌اند: یک‌دسته ناخواسته‌اند و دسته دیگر با برنامه‌ریزی ایجاد می‌شوند، مثل رویداد ۱۱ سپتامبر. اینها به‌واسطه رصد کردن bigsignalها یا نشانک‌های ضعیف قابل شناسایی‌اند و فهم اینها خیلی مهم است. مثلاً استفاده عملیاتی از ابزارهای هوش مصنوعی می‌تواند در ۱۰ سال آینده موجب وقوع بیکاری گسترده‌ای شود و نرخ بیکاری به‌طور قابل توجهی افزایش یابد. یا احتمال فراهم شدن دست‌کاری ژنتیکی و سفارش دادن برای تولدهای جدید یکی از همین نشانک‌هاست که باید خیلی مورد توجه قرار بگیرند.

این استاد دانشگاه توضیح داد: متولدین پس از ۲۰۱۰، آلفا و پس از ۲۰۲۵، بتا نامیده شده‌اند و الان با کمک همین نشانک‌های ضعیف گمانه‌زنی درباره نسل بتا شروع شده است. فناوری‌ها یکی از عناصر مهم در شکل دادن به نسل‌ها هستند و هوش مصنوعی یکی از مهمترین‌هاست: نسل بتا، نسل هوش مصنوعی است که با آن رشد خواهد کرد.

دکتر مولایی در خاتمه سخنانش تشریح کرد: نسل‌های جدیدتر به‌دلیل قدرتی که در پلتفرم‌های دیجیتال دارند، نسبت به نسل‌های مشابه در دهه‌های گذشته از نظر فرهنگی نقش و قدرت زیادی دارند. در پایان، وی جمع‌بندی کرد که نیاز هست که در بحث تحولات نسلی بر نشانک‌های ضعیف و تصاویر دقت بیشتری داشت تا کمی بفهمیم که دارد چه اتفاقی می‌افتد. وی به ضرورت آینده‌پژوهی به‌دلیل فاصله‌ای که درک اجتماعی بین حوزه علم و حوزه سیاست‌گذاری دارد، تأکید کرد.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۲۶۴>



روش تاریخی در فهم متون و مسئله ساخت سنت

نشست «روش تاریخی در فهم متون و مسئله ساخت سنت» با سخنرانی فاطمه توفیقی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب، ۲۹ شهریور به همت مرکز تحقیقات امام علی(ع) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

دکتر توفیقی در ابتدای سخنانش گفت: سنت ابداعی به معنای مجموعه‌ای از رفتارها است که عموماً تحت سیطره قوانینی هستند که آشکارا یا پنهانی پذیرفته می‌شوند و حالتی مناسکی یا نمادین دارند. این رفتارها ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری را با تکرار تلقین می‌کنند و به‌طور خودکار متضمن پیوستگی با گذشته هستند. به‌عبارت دیگر این رفتارها تا حد ممکن در پی ایجاد پیوستگی با گذشته تاریخی هستند.



وی با طرح این سؤال که برای چه باید سنت ساخته شود؟ ادامه داد: ممکن است سنت برای این ساخته شود که بگوییم ما با گذشته پیوستگی داریم یا از گذشته فاصله بگیریم. ایجاد اتوریت، ایجاد هویت جدید مثل هویت ملی، اسطوره‌سازی و مناسک‌سازی از دیگر علل ساخت سنت است. من یک نمونه ذکر کنم. ما می‌گوییم قصه کربلا در کربلا تمام نشده، امروز هم عاشورا است و اینجا هم کربلا است. در واقع ما داریم آن اتفاقات را با آن چیزی که الان پیش می‌آید، تطبیق می‌دهیم در ضمن اینکه تاریخ را روایت می‌کنیم آن تاریخ را طور خاصی می‌فهمیم. یک نمونه معروفش بازخوانی است که از شخصیت حضرت زینب(س) صورت گرفته است؛ قرائتی از حضرت زینب(س) که در آن حضرت زینب فقط مظلوم نیست بلکه کسی است که خیلی فعال است و کنشگری سیاسی می‌کند. دوباره در دوران اخیر این روایت تحول پیدا کرده و بخش باطنی و غیر سیاسی آن مورد تمرکز قرار گرفته است. در واقع وقتی ما درباره پارادایم(الگوی تفکر) کربلا صحبت می‌کنیم، داریم کربلا را به شکل دیگری روایت می‌کنیم. این یک نمونه از ساخت سنت است. اینکه آیا درصد مظلومیت حضرت زینب(س) بیشتر بود یا کنشگری سیاسی او، چیزی نیست که الان درباره آن تصمیم بگیریم بلکه می‌خواهیم ببینیم اهداف روایت‌کننده از این روایت خاص چیست.

یک نمونه دیگر کتاب مکتب در فرایند تکامل است که می‌گوید یکسری اتفاقات افتاد که تاریخ تشیع امامی به این شکل فهمیده شد و این چیزی نبوده از ابتدا معین باشد بلکه در سیر فرایند تاریخی احادیشی گفته شد در دفاع از یک فهم خاص از امامت و در دفاع از دوازده امام و ترتیب آنها. در واقع آقای مدرسی دارد ساخت سنت را بررسی می‌کند یعنی کسانی که این احادیث را گفتند با چه انگیزه‌هایی گفتند. نمونه دیگر جاهلیت و روایت تمدن‌ساز از اسلام است. خیلی مورخان درباره دوران جاهلیت و جامعه بدون تمدنی که با ظهور اسلام به فرهنگ دست پیدا کرد، صحبت کردند. این روایت آنقدر تأثیرگذار بود که حتی بسیاری از تاریخ‌نگاران ایرانی دوره مشروطه از آن برای بیان تفاوت جامعه عربی از جامعه ایرانی استفاده کردند و نمونه مشهورش کتاب «دو قرن سکوت» است. این کتاب این‌طور روایت می‌کند که افرادی از جامعه‌ای بدون فرهنگ به جامعه‌ای پر از فرهنگ حمله می‌کنند. این فقط منحصر به ایران نیست بلکه در گذشته همیشه تصور می‌شده پیش از اسلام یک فضای وحشی و جاهلی

وجود داشته و اسلام بود که فرهنگ آورد. این روایت دارد سنتی را می‌سازد که اگر این سنت ابداعی را کنار بگذاریم و از منابع دیگر استفاده کنیم، می‌بینیم پیش از اسلام جاهلیتی وجود نداشته بلکه شبهه جزیره پر از فرهنگ و داد و ستد فرهنگی بوده و اسلام در این فضا ظهور کرده است. من مثال ریزتر بیاورم از کتاب اصول کافی و صحیح بخاری. مؤلفان این دو کتاب دنبال این بودند هر چه حدیث هست را جمع کنند و احادیث صحیح را به دست بیاورند تا سنت از بین نرود، در عین حال دنبال ساخت سنت هم بودند تا از این طریق اتوریته ایجاد کنند. در کتاب صحیح بخاری بخشی به نام «کتاب‌العلم» وجود دارد. در این بخش حدیث مشهور کذب علی‌النبی وجود دارد که می‌گوید اگر کسی حدیثی را به دروغ نقل کند، گرفتار آتش می‌شود. مؤلف در این بخش می‌خواهد بگوید این حدیثی که ما داریم منتقل می‌کنیم مواظبیم احادیث درست باشد، ما خودمان دغدغه صحت داریم و این دغدغه باید مورد احترام جامعه مسلمان باشد. اینجا دارد یک ساخت سنت صورت می‌گیرد تا خیال مؤمن مسلمان را راحت کند که اگر دنبال حدیث صحیح هستی، اینجا وجود دارد.



دکتر توفیقی شرح داد: در کتاب اصول کافی هم باب فضل‌العلم وجود دارد. در آنجا این احادیث را می‌بینیم که علما وارث انبیاء هستند و احادیث آنها را در اختیار دارند و شما باید مراقب باشید احادیث را از کجا به دست می‌آورید. بعد روایاتی درباره فضل علم و عالم مطرح شده است. کلینی برای چه در آغاز کتابش روایات فضل علم را مطرح کرده؟ برای اینکه اتوریته علمای حدیثی تثبیت شود. اگر سنت ابداعی را کشف کنیم چه فایده‌ای دارد؟

وی ادامه داد: سؤال بعدی این است که اگر سنت ابداعی را کشف کنیم چه فایده‌ای دارد؟ فایده‌اش این است که ما می‌توانیم در فهم متن تاریخی به دست بیاوریم که چه چیزهایی با انگیزه خاص نوشته شده و چقدر با آنچه در واقعیت وجود داشته تفاوت دارد یعنی در فهم واقعیت به ما کمک می‌کند. وقتی کسی سنت ابداعی یعنی انگیزه را لحاظ کند این را در نظر می‌گیرد ممکن است یک کتاب با اهداف خاصی نوشته شده باشد و بعد دنبال مجموعه قرائن می‌گردد. به گزارش ایکنای دکتر توفیقی در بخش پایانی سخنانش یادآور شد: وقتی ما انگیزه‌ها را خواندیم و به انگیزه‌های احتمالی پی بردیم، بعدش می‌توانیم قرائن معاصر دیگری که دیده نمی‌شود را ببینیم. پیامد مسئله این است که سنت ابداعی را به عنوان تاریخ جدی نمی‌گیریم. به عنوان مثال؛ طی مقطعی در ایران سعی کردند بر تاریخ آریایی تمرکز کنند. وقتی ما به سنت ابداعی توجه داشته باشیم، متوجه خواهیم بود که این تاریخ در مسیر ساخت ملت کشور ایران و ایجاد انسجام ملی صورت گرفته است تا همه یک هویت مشترک داشته باشند.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۲۶۲>



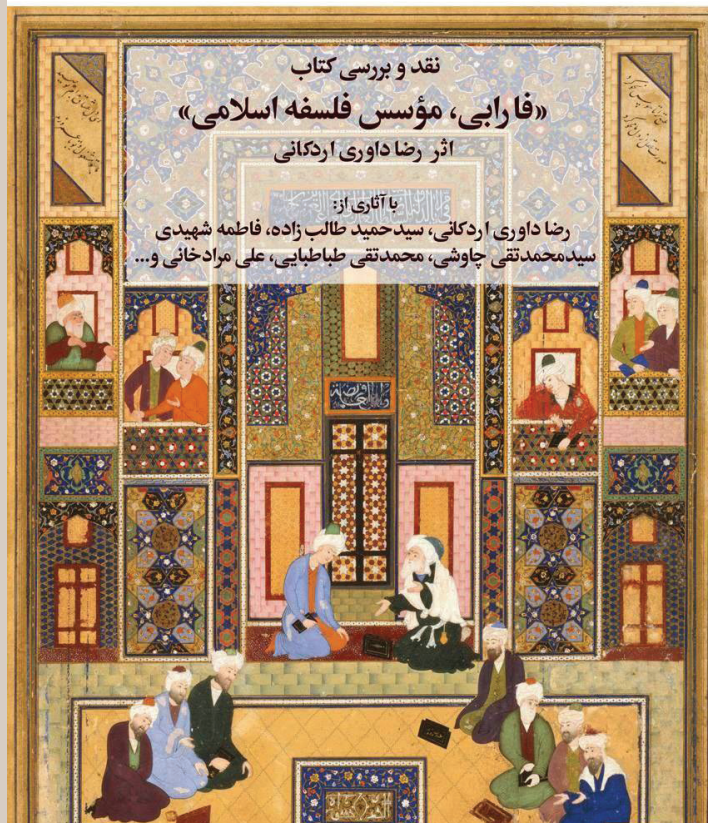
ثڤو، شكاھ علوم انسانى ومطالعات فرهنجى



آرشیو خبرنامه در وبگاه پژوهشگاه

زنگنه

شماره یکم نقدنامه علوم انسانی
شهریور ۱۴۰۲



مدیر مسئول: بهاره نصیری

سردبیر: حوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، سعید اسمعیلی، هلیا عباسی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام‌رسان‌ها: @ihcss, @pajoheshgah